



ناگفته‌های مظفری‌زاده در گفت‌وگو با «ایران ورزشی» از داوری تا قهرمانی تراکتور و نقل و انتقالات

ابهام فوتبالی را خفه کرده است

در انتخابات فدراسیون، فوتبالی‌ها رأی نمی‌آورند

تکرار دوباره قهرمانی با صید ۹ مدال جهانی

امپراطوری فرنگی ایران

پزشکیان: قهرمانی کشتی فرنگی جلوه‌ای روشن از توانمندی فرزندان ایران است
سهرابی و هدایتی طلایی شدند، ساروی برنز گرفت



سبقت تایلند و توسعه ژاپن و کره
زنگ هشدار برای فدراسیون

پادشاهی با تاج زنگ‌زده

نکیسا: تحول یک شبه محقق نمی‌شود

اعلام برنامه جام ملت‌ها، در روز
تعویق بازی‌های داخل سالن

مقاومت عجیب AFC در برابر تغییر تقویم

پایان دوران پرچالش ثابت‌قدم
در شرکت توسعه و تجهیز

ورزشگاه آزادی بعد از تغییر برمی‌گردد؟

شروع خدمت شماره یک در آبادیه بیرانوند رسماً سرباز شد

شعار علیه بازیکنان
جای تشویق ایسلندی را گرفت

پایان ماه عسل پرسپولیس و تارتار

نوکمپ، بهترین نقطه
برای درخشش امباپه

نمره ۱۰۰ برای نینجا

بارسلونا، ال‌کلاسیکو را در تابستان باخت

● سرمقاله

ایرانی‌راشناختید

مجیدسلطانی

خبرنگار

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور متوهم آمریکا بارها در یک سال اخیر گفته به دنبال از بین بردن تاریخ ایران هستیم. او بی‌تردید تاریخ را نخوانده که به این شکل، خود را در برابر یک تمدن پرافتخار قرار داده است. او بی‌تردید نمی‌داند زن ایرانی با همه مردم دنیا تفاوت دارد. او نمی‌داند ایرانی در روزهای سخت چه آلباژ غیرقابل نفوذی پیدا می‌کند. او نمی‌داند جنس ایرانی با جنس اقوامی که خود و خاک‌شان را برای دو روز زندگی و رفاه بیشتر تقدیم می‌کنند، تفاوت فراوانی دارد.

او ایران و ایرانی را نشناخته که این چنین یاه گفته و می‌گوید. ایرانی همین است که این چند روز در آستانه قزاقستان دیدیم. مردم روزهای سخت. مردمی که تسلیم نمی‌شوند و اجبار را نمی‌شناسند. نمی‌توان این زن را وادار به پذیرش کرد چون آنها مقاوم‌ترین قوم در برابر زور هستند.

همین دو روز قبل بود که تحلیلگر ایتالیایی درباره مردم ایران گفت نمی‌توانم واژه‌ای برای تحسین این مردم بیابم. بی‌تردید ترامپ نه تاریخ را خوانده نه مردم ایران را می‌شناسد. روزهای پرفروغ، درخشان و پرمدال کشتی فرنگی در آستانه قزاقستان در قهرمانی جهان نشان داد این طایفه در روزهای سخت، تا چه اندازه بالاتر از سقف پروازشان می‌پرند.

قهرمانی مقتدرانه و زود هنگام کشتی فرنگی در قهرمانی جهان آن هم از دل جنگ و تحریم و هزار واژه محدودکننده نشان داد مردم ایران را نمی‌شود به زانو درآورد. نمی‌توان این ملت را تسلیم کرد و نمی‌توان آنها را وادار به گاری کرد.

قهرمانی با شکوه تیم کشتی فرنگی جوان ما، دل همه مردم کشور نازنین‌مان را شاد کرد و به همه دنیا پیام داد که با این مردم نمی‌توان دشمنی کرد. آنها خواستار صلح با همه دنیا هستند؛ اما هیچ گاه در طول تاریخ در برابر زور تسلیم نشده‌اند و این بار هم نمی‌شوند.

قهرمانی دلاورمردان کشتی فرنگی مبارک همه مردم ایران که همواره شایسته بهترین‌ها هستند.

بزشکیان: قهرمانی کشتی فرنگی جلوه‌ای روشن از توانمندی فرزندان ایران است

رئیس جمهور در پیامی قهرمانی مقتدرانه و زودهنگام تیم ملی کشتی فرنگی کشورمان در رقابت‌های جهانی قزاقستان را به ملت شریف ایران، کشتی‌گیران شایسته، کادرفنی، مربیان و خانواده بزرگ کشتی کشور تبریک گفت.

متن پیام رئیس جمهور به شرح زیر است: قهرمانی مقتدرانه و زودهنگام دلاورمردان تیم ملی کشتی فرنگی کشورمان در رقابت‌های جهانی قزاقستان، جلوه‌ای روشن از توانمندی فرزندان این سرزمین و گواهی بر ظرفیت بلند ملت ایران برای درخشش در میدان‌های بزرگ جهانی است؛ پیروزی غرورآفرینی که بار دیگر شایستگی، اراده و استعداد فرزندان عزیز این مرز و بوم را به نمایش گذاشت و دل‌های مردم را سرشار از شادی و افتخار کرد.

فرزندان شایسته ما نشان دادند، ایران خاستگاه استعداد‌های بزرگ و اراده‌های استوار است و جوانان این ملت با وجود همه محدودیت‌های ایجاد شده، توانایی و شایستگی لازم برای خلق افتخارات ماندگار و به نمایش گذاشتن ظرفیت‌های ایران عزیز را در عرصه‌های گوناگون علمی، فرهنگی و ورزشی در سطح جهان دارند.

این قهرمانی پرافتخار را به ملت شریف ایران، کشتی‌گیران شایسته، کادرفنی، مربیان و خانواده بزرگ کشتی کشور تبریک می‌گویم و با همه کسانی که در این موفقیت نقش‌آفرین بوده‌اند، صمیمانه قدردانی می‌کنم. امیدوارم این دستاورد ارزشمند، انگیزه‌ای تازه در دل جوانان برای پیمودن مسیر پیشرفت، تقویت خودباوری و اعتلای نام و جایگاه میهن اسلامی باشد.

شروع خدمت شماره یک در آباده

بیرانوند رسماً سرباز شد

علیرضا بیرانوند صبح روز گذشته تهران را به مقصد شیراز ترک کرد تا با حضور در یادگان آباده، رسماً دوران خدمت سربازی خود را آغاز کند. دروازه‌بان ملی‌پوش تراکتور که طی ماه‌های گذشته وضعیت نظام وظیفه‌اش به یکی از سوزه‌های بحث‌برانگیز فوتبال ایران تبدیل شده بود، پس از ناکامی در تغییر شرایط خدمت، خود را به محل خدمت معرفی کرد. نخستین تصاویر منتشرشده از بیرانوند در یادگان، خیلی زود مورد توجه قرار گرفت. او ابتدا با لباس شخصی و ساک ورزشی در محل حاضر شد، اما پس از انجام مراحل اولیه، لباس سربازی بر تن کرد و با آدای سلام نظامی، تصاویر نخستین روز حضورش در قامت یک سرباز را به ثبت رساند.

پرونده سربازی بیرانوند از مدت‌ها قبل با گمانه‌زنی‌های مختلفی همراه بود. پس از پایان مهلت قانونی، موضوع وضعیت پزشکی او نیز مورد بررسی قرار گرفت، اما در نهایت دروازه‌بان تراکتور ملزم به معرفی خود برای آغاز خدمت شد. در روزهای اخیر، احتمال حضور او در فجرسیاسی شیراز نیز مطرح شده بود؛ گزینه‌ای که می‌توانست شرایط ادامه فعالیت فوتبالی او را تحت تأثیر قرار دهد. با این حال، آغاز خدمت سربازی به‌معنای حضور فوری بیرانوند در مسابقات فجرسیاسی نیست. بسته بودن پنجره نقل‌وانتقالاتی این باشگاه مانع ثبت قرارداد و استفاده از او در دیدارهای رسمی شده و پراساس شرایط فعلی، بیرانوند باید تا نیم‌فصل برای فراهم شدن امکان حضور در مسابقات منتظر بماند.

به این ترتیب، دروازه‌بان تیم ملی که تا همین چندی پیش در رقابت‌های داخلی و آسیایی از دروازه تراکتور محافظت می‌کرد، حالا وارد مرحله تازه‌ای از دوران حرفه‌ای خود شده است. شرایطی که با توجه به نزدیک شدن جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۷ می‌تواند بر برنامه مسابقاتی و روند آماده‌سازی این دروازه‌بان با تجربه نیز تأثیر بگذارد.

اکرت، عامل باخت استاندارد لیژ شد!

در ادامه رقابت‌های ژوپیرلیگ بلژیک، تیم فوتبال استانداردلیژ در استادیوم چکاآرنا میهمان خنک بود و در نهایت با نتیجه ۲بریک مغلوب حریف مدعی خود شد، اما این مسابقه برای دنیس اکرت، مهاجم ایرانی-آلمانی استاندارد لیژ با اتفاقی تلخ و یک غفلت بزرگ دفاعی همراه بود.

اکرت در این مسابقه تا ابتدا در ترکیب اصلی استانداردلیژ حضور داشت و تیمش تا دقیق پایانی بازی را با تساوی یک‌بریک کنترل کرده بود که حتی در دقیقه۶۹ استانداردلیژ در یک موقعیت شلوغ و رفت و برگشتی می‌توانست به گل دوم دست پیدا کند که شوت اکرت توسط مدافعان خنک بلوکه شد تا بخت گلزنی او از دست برود. کابوس اکرت در دقیقه۷۵ رقم خورد که روی ضربه سر ماته اسمتس، این مهاجم سعی کرد داخل محوطه جریمه خودی توپ را با سینه مهار کند و آن را تحت کنترل نگه دارد تا دروازه‌بان تیمش، ماتیو پیرارد، جلو بیاید و توپ را جمع کند، اما آرون بیبوت، مهاجم تعویضی خنک، با تیرپوشی از تعلل اکرت استفاده کرد و با ریودن توپ، آن را به گوشه بالای دروازه استانداردلیژ فرستاد تا گل دوم و پیروزی بخش خنک ثبت شود. دنیس اکرت پس از این اشتباه تأثیرگذار و عجیب در محوطه جریمه خودی، نتوانست تا پایان بازی در زمین بماند و در دقیقه ۸۲ جای خود را به برونی نسیمبا داد تا استانداردلیژ با همان نتیجه ۲بریک بازی را واگذار کند و دست خالی از زمین بیرون برود.

گزارش یک
محسن ذاکری
<i>خبرنگار</i>

کنفدراسیون فوتبال آسیا در فاصله ۷۳ روز تا آغاز جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۷، برنامه کامل مسابقات این رقابت‌ها را با اعلام ورزشگاه‌ها و ساعت برگزاری دیدارها منتشر کرد؛ تصمیمی که طبق آن در شرایط افزایش تنش‌های نظامی در منطقه و بالا گرفتن نگرانی‌ها درباره امنیت عربستان، این کنفدراسیون بار دیگر بر ادامه برنامه‌ریزی برای برگزاری مسابقات در موعد مقرر تأکید دارد. در اطلاعیه AFC هیچ اشاره‌ای به احتمال تعویق جام ملت‌ها نشده و برنامه بازی‌ها مطابق زمان‌بندی قبلی اعلام شده است؛ موضوعی که نشان می‌دهد کنفدراسیون فوتبال آسیا در موضع رسمی خود همچنان بر اجرای برنامه فعلی تأکید دارد.

نبردهای عصرانه یوزهای ایرانی

تیم ملی فوتبال ایران که در مرحله گروهی باید به‌مصاف چین، قرقیزستان و سوریه برود، هر ۳ مسابقه خود را در شهر ریاض برگزار خواهد کرد. شاگردان امیرقلعه‌نویی روز ۱۹دی از ساعت ۱۷ در ورزشگاه کینگدام آژرنا مقابل چین قرار می‌گیرند و چهار روز بعد، از ساعت ۲۰ روز ۲۳دی در ورزشگاه الشیباب به مصاف قرقیزستان خواهند رفت. سومین و آخرین مسابقه ایران در مرحله گروهی نیز روز ۲۸دی از ساعت ۱۷ در ورزشگاه شهر ورزشی ملک فهد ریاض مقابل سوریه برگزار می‌شود.

احتمال تعویق همچنان بالاست

با این حال، انتشار برنامه مسابقات به‌معنای برطرف شدن نگرانی‌ها درباره شرایط میزبانی عربستان نیست. تحولات امنیتی منطقه طی هفته‌های اخیر،

پایان دوران پرچالش ثابت‌قدم در شرکت توسعه و تجهیز ورزشگاه آزادی بعد از تغییر برمی‌گردد؟



شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی کشور در شرایطی با تغییر مدیرعامل روبه‌رو شده که یکی از مهم‌ترین پروژه‌های این مجموعه، یعنی بازسازی ورزشگاه آزادی، همچنان با ابهام‌هایی درباره زمان بهره‌برداری همراه است. احمد دنیامالی، وزیر ورزش و جوانان، طی حکمی عباس واحدی را به‌عنوان سرپرست این شرکت منصوب کرد تا محمدمعلی ثابت‌قدم پس از حدود ۱۰ ماه فعالیت در این مسئولیت، جای خود را به مدیر جدید بدهد؛ تغییری که می‌تواند فرصتی برای بازنگری در روند اداره اماکن ورزشی کشور باشد. مراسم تودیع ثابت‌قدم و معارفه واحدی بعدازظهر دوشنبه چهارم آبان‌ماه با حضور سیدمناف هاشمی، معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت ورزش و جوانان، حسین چراغی، مدیرکل حوزه وزارتی و اعضای هیأت‌مدیره شرکت برگزار شد. ثابت‌قدم از ۲۴ دی‌ماه ۱۴۰۳ مدیریت این مجموعه را بر عهده داشت و حالا واحدی که مدیرعامل صندوق حمایت از پیشکسوتان و قهرمانان نیز هست، مسئولیت تازه‌ای را در یکی از بخش‌های مهم زیرمجموعه وزارت ورزش بر عهده می‌گیرد.

تغییر مدیریت در شرایطی اتفاق می‌افتد که وضعیت ورزشگاه آزادی همچنان یکی از دغدغه‌های اصلی ورزش

پرسش‌هایی را درباره امکان برگزاری بدون مشکل مسابقات در این کشور ایجاد کرده و حتی بربرنامه رقابت‌های باشگاهی قاره آسیا نیز تأثیر گذاشته است. تنش‌های نظامی میان عربستان و یمن افزایش یافته و حملات یمنی‌ها در کنار لغو برخی پروازها، شرایط سفر به عربستان را با دشواری‌هایی همراه کرده است؛ وضعیتی که می‌تواند برنامه سفر تیم‌ها و هواداران حاضر در جام ملت‌ها را نیز تحت تأثیر قرار دهد. کنفدراسیون فوتبال آسیا به‌دلیل مشکلات سفر اعضای تیم الوصل امارات به ریاض در پی لغو پروازها، دیدار این تیم مقابل النصر عربستان در لیگ نخگان آسیا را لغو کرد. این تصمیم نشان داد که محدودیت‌های پروازی و شرایط منطقه می‌تواند مستقیماً بر برگزاری مسابقات

تحت نظارت AFC تأثیر بگذارد. با این حال، قرار است الاهلی عربستان در جده از الغرافه قطر میزبانی کند و فعلاً برنامه جام ملت‌های آسیا نیز بدون تغییر اعلام شده است. تصمیم شورای المپیک آسیا برای به تعویق انداختن بازی‌های داخل سالن آسیا که قرار بود از ۲۰ تا ۳۰ آذرماه به میزبانی عربستان برگزار شود، بر ابهام‌های موجود درباره میزبانی این کشور افزوده است. این رقابت‌ها با توجه به شرایط منطقه به تعویق افتاده و قرار است در فروردین ۱۴۰۶ برگزار شود. به این ترتیب در شرایطی که یک رویداد چندرشته‌ای مهم به دلیل تحولات منطقه از برنامه قبلی خود خارج شده، جام ملت‌های آسیا همچنان طبق زمان‌بندی اعلام‌شده پیش می‌رود؛

موضوعی که شایعات درباره احتمال تعویق این مسابقات را تقویت می‌کند.

مدعیان آسیا علیه میزبانی عربستان

برگزار شود و عربستان برای نخستین بار میزبانی این مسابقات را برعهده خواهد داشت. با نزدیک شدن به زمان آغاز رقابت‌ها، مسأله اصلی فراهم بودن شرایط لازم برای برگزاری امن مسابقات و اطمینان از امکان رفت‌وآمد تیم‌ها و تماشاگران است. در چنین شرایطی، اعلام برنامه بازی‌ها نشان می‌دهد که فعلاً تصمیم رسمی برای تغییر زمان‌بندی گرفته نشده، اما تعویق بازی‌های داخل سالن آسیا و ادامه تنش‌های منطقه‌ای باعث شده احتمال تغییر برنامه جام ملت‌ها نیز از گمانه‌زنی‌ها خارج نشود. فعلاً باید دید AFC در برابر تحولات پیش‌رو چه تصمیمی خواهد گرفت و آیا عربستان می‌تواند در موعد مقرر میزبان مهم‌ترین تورنمنت ملی فوتبال قاره باشد یا خیر.

فیفا جور عدم برنامه‌ریزی داخلی را کشید

فرصت بزرگ برای نونهالان



نخستین دوره جام جهانی زیر ۱۵ سال و جشنواره فوتبال فیفا در باکو به جریان افتاده و تیم نونهالان ایران نیز در میان ۱۸۹ فدراسیون حاضر در این رویداد، فرصت روبرویی با نمایندگان کشورهای مختلف را پیدا کرده است؛ مسابقاتی متفاوت که اهمیت آن فقط به نتایج و رتبه نهایی تیم‌ها محدود نمی‌شود و می‌تواند تجربه‌ای ارزشمند برای بازیکنانی باشد که هنوز در ابتدای مسیر فوتبال خود قرار دارند.

این رقابت‌ها از ۲۴ تا ۳۰ اکتبر، برابر با ۲ تا ۸ آبان، در جمهوری آذربایجان برگزار می‌شود و نزدیک به هزار مسابقه در برنامه آن قرار دارد. تیم نونهالان ایران در مرحله نخست با بوسنی و هرزگوین، ویتنام، موریس، گویان و برونئی هم‌گروه شد و پس از انجام چهار مسابقه، با سه پیروزی و یک شکست، ۹ امتیاز و تفاضل گل مثبت ۱۱، در جایگاه دوم گروه R قرار گرفت. ایران در این مرحله ۱۷ گل به ثمررساند و ۶ گل دریافت کرد تا جواز حضور در سطح دوم رقابت‌های مرحله بعد را به دست بیاورد. در ساختار این مسابقات، تیم‌ها با پایان مرحله گروهی حذف نمی‌شوند و جایگاه آنها در گروه، سطح رقابتی مرحله دوم را تعیین می‌کند. به ین ترتیب، همه تیم‌ها تا پایان مسابقات فرصت ادامه رقابت و کسب تجربه خواهند داشت.

ویژگی دیگر این تورنمنت، شکل متفاوت برگزاری مسابقات است. بازی‌ها با حضور هشت بازیکن از هر تیم و در دو نیمه ۲۰ دقیقه‌ای برگزار می‌شوند. این ساختار با هدف افزایش مشارکت بازیکنان در جریان مسابقه، بیشترشدن فرصت لمس توپ و تقویت توانایی تصمیم‌گیری در شرایط واقعی بازی طراحی شده است. همچنین حضور نمایندگان کشورهای با سطح و سابقه متفاوت در فوتبال بین‌المللی، امکان مواجهه با سبک‌های متنوع بازی را برای نونهالان فراهم می‌کند.



ایران را پیدا کرده‌اند. پرسشی که تا زمان اعلام فهرست نهایی تیم ملی بی‌پاسخ می‌ماند این است: آیا این بازیدها واقعاً قرار است چیزی را تغییر دهند؟

که قلعه‌نویی به آنها سر می‌زند و نه تصاویر منتشرشده از حضور او در جایگاه؛ بلکه تغییرات احتمالی در فهرست نهایی و میزان اعتماد به بازیکنانی است که فرصت درخشیدن در فوتبال

فوتبال جهان

پیام معنادار کاپیتان منچستر یونایتد؟

برونو فرناندز، کاپیتان منچستریونایتد، پس از نیمکت‌نشینی در شکست ۳ بر صفر مقابل بورنموث، با پسندیدن پستی کنایه‌آمیز در اینستاگرام، گمانه‌زنی‌ها درباره اختلاف او با کادر فنی را افزایش داد. این پست درباره افرادی بود که بار مسئولیت دیگران را به دوش می‌کشند، اما در نهایت با بی‌مهری مواجه می‌شوند.

فرناندز در دیدار اولدترافورد حتی به‌عنوان بازیکن تعویضی نیز فرصت حضور در زمین را پیدا نکرد. این تصمیم مایکل کریک، سرمربی یونایتد، در شرایطی اتخاذ شد که گزارش‌هایی از انتقاد قبلی کاپیتان پرتغالی به تاکتیک‌های تیم منتشر شده بود.

فرناندز از زمان پیوستن به منچستریونایتد در سال ۲۰۲۰، ۳۲۴ بازی انجام داده و ۱۱۱ گل به ثمر رسانده است. با این حال، هنوز مشخص نیست پسندیدن آن پست ارتباط مستقیمی با شرایط او در باشگاه داشته باشد.

مورینیو ورکورودی ویژه در ال کلاسیکو

رئال مادرید با پیروزی ۲ بر یک مقابل بارسلونا در نخستین ال کلاسیکوی فصل، علاوه بر کسب سه امتیاز ارزشمند، به روند شکست‌ناپذیری روزه مورینیو در تقابل‌های اخیر با رقیب سنتی نیز تداوم بخشید. کیلیان امباپه با به ثمر رساندن دو گل، ستاره اصلی مسابقه بود و نقش تعیین‌کننده‌ای در پیروزی تیمش ایفا کرد. رافینیا تنها گل بارسلونا را به ثمر رساند، اما میزان نتوانست از شکست فرار کند.

این نتیجه نخستین باخت بارسلونا در فصل جاری لالیگا را رقم زد و فاصله دو تیم در صدر جدول را به سه امتیاز کاهش داد. بارسلونا پیش از این مسابقه، ۹ دیدار ابتدایی خود در لیگ را با پیروزی پشت سر گذاشته بود.

بر اساس آمار گزارش‌شده، مورینیو در شش ال کلاسیکوی متوالی اخیر خود با رئال مادرید، چهار پیروزی و دو تساوی به دست آورده است؛ رکوردی که او را در کنار میکل مونیزو و ویسنته دل بوسکه، در جمع سرمربیان برجسته تاریخ این باشگاه قرار می‌دهد.

چهار گل پس از جراحی قلب

اسکات مک‌تامینی، هافبک ناپولی، پس از پشت سر گذاشتن مشکل آرتیمی قلبی و انجام عمل ایلپیشن در سیتامبر، با چهار گل در دو مسابقه اخیر بار دیگر توانایی‌های خود را به نمایش گذاشت. این بازیکن اسکاتلندی پس از دوری از میادین، در دیدار مقابل بودوگلیمت در لیگ قهرمانان و سپس برابر رم در سری آ، در هر مسابقه دو بار گلزنی کرد؛ هر دو دیدار با تساوی ۳ بر ۳ به پایان رسیدند. مک‌تامینی در سال ۲۰۲۴ با انتقالی به ارزش ۳۰ میلیون یورو از منچستریونایتد به ناپولی پیوست و خیلی زود به یکی از مهره‌های کلیدی تیم تبدیل شد. او در فصل ۲۰۲۵-۲۰۲۴ با ۱۳ گل، سهم مهمی در قهرمانی ناپولی در سری آ داشت و فصل بعد نیز ۱۴ گل به ثمر رساند. این هافبک ۲۹ ساله در ۸۷ مسابقه برای ناپولی، ۳۱ گل زده و ۱۰ پاس گل ثبت کرده است. ارزش او نیز طبق ارزیابی ترنسفرمارکت به ۴۰ میلیون یورو رسیده است؛ آماری که جایگاه ویژه‌اش را در ترکیب ناپولی نشان می‌دهد.

آموریم: هنوز کار زیادی داریم

روبن آموریم پس از پیروزی ۲ بر صفر میلان در زمین اودیزه، از عملکرد بازیکنانش تمجید کرد، اما تأکید داشت که تیمش با وجود نتیجه مطلوب، همچنان برای رسیدن به سطح موردنظر فاصله دارد. سرمربی میلان با اشاره به بحران مصدومیت‌ها و فشرده‌گی مسابقات، آمادگی بازیکنان جوان را یکی از نکات مثبت تیم دانست.

آموریم گفت از بازیکنانش احساس غرور می‌کند، زیرا در شرایط دشوار توانسته‌اند رقابت‌پذیری خود را نشان دهند. او همچنین تأکید کرد مسئولیتش تنها به کسب پیروزی محدود نمی‌شود و باید برای آینده میلان نیز برنامه‌ریزی کند.

سرمربی پرتغالی در ارزیابی عملکرد بارنزآگی، سرعت و توانایی ارسال توپ او را از نقاط قوتش دانست، اما معتقد بود این بازیکن در نبردهای دفاعی و بازی‌های تک‌به‌تک باید پیشرفت کند. آموریم با اشاره به فرصت محدود تمرین در زمین گفت تیمش در هفته‌های اخیر بیشتر از طریق تحلیل ویدیویی کار کرده است. او در پایان نیز تأکید کرد تمرکزش بر مسابقه بعدی میلان است، نه رقابت‌های فردی مانند توپ طلا.

دی‌یونگ: سرعت و کیفیت رئال به ما ضربه زد

فرانکی دی‌یونگ هافبک بارسلونا، پس از شکست یک بر دو مقابل رئال مادرید در ال‌کلاسیکو، سرعت و کیفیت بازیکنان هجومی حریف را از عوامل اصلی ناکامی تیمش دانست. این بازیکن هلندی که پس از پشت سر گذاشتن مصدومیت به میادین بازگشته، در دقیقه ۷۴ وارد زمین شد، اما نتوانست مانع شکست بارسلونا شود.

دی‌یونگ با ابراز ناامیدی از نتیجه مسابقه گفت بارسلونا در این دیدار بیش از حد معمول در پاسکاری اشتباه داشت و نتوانست در سطح همیشگی خود ظاهر شود. او همچنین تأکید کرد مهاجمان رئال مادرید با برخورداری از سرعت بالا و کیفیت فنی، توانایی تنبیه حریف را دارند و در این مسابقه نیز از همین ویژگی بهره بردند.

گزارش یک ایلیا بهزاد اول خبرنگار

روژه مورینیو بعد از پیروزی ۲-بریک رئال مادرید مقابل بارسلونا، رزانو زد، مشت خود را گره کرد و با زبانی بیرون‌آمده از دهان، شادی‌اش را به نمایش گذاشت؛ تصویری آشنا از مربی پرتغالی که حالا بار دیگر در یکی از بزرگ‌ترین صحنه‌های فوتبال اروپا خیرساز شده است. رئال با درخشش کیلیان امباپه و دبل مهاجم فرانسوی، نخستین ال‌کلاسیکوی فصل ۲۰۲۷-۲۰۲۶ را به سود خود تمام کرد تا فاصله‌اش با بارسلونا در صدر جدول لالیگا به سه امتیاز کاهش پیدا کند. با این حال، اهمیت این پیروزی فقط به سه امتیاز با شکست رقیب سنتی محدود نمی‌شود؛ این مسابقه دو پیام مهم درباره پروژه تازه مورینیو در سانتیاگو برنابئو داشت: نخست اینکه رئال مادرید همچنان از کیفیت فنی و امکانات لازم برای رقابت با بهترین تیم‌های اروپا برخوردار است. دوم اینکه مورینیو، با وجود رسیدن به ۶۳ سالگی و فاصله طولانی از آخرین قهرمانی لیگ خود در فصل ۲۰۱۵-۲۰۱۴ با چلسی، همچنان می‌تواند در بالاترین سطح فوتبال اروپا حرف‌های زیادی برای گفتن داشته باشد.

از بحران تا نقطه عطف

شکست ۲ بر یک مقابل اتلتیکومادرید در ۲۰ سپتامبر، تردیدهای جدی درباره وضعیت رئال ایجاد کرده بود. اگرچه اعتراض‌ها به تصمیم‌های داورى بخش مهمی از واکنش‌ها را تشکیل می‌داد، در داخل باشگاه نیز مشکلات فنی تیم و کمبود هافبکی با توانایی حفظ مالکیت توپ مورد بحث قرار داشت. با این حال، آن شکست ظاهراً به مورینیو و کادرش انگیزه داد تا با جسارت بیشتری به دنبال تغییر باشند. پیروزی ۴ بر ۳ مقابل رم در لیگ قهرمانان اروپا، در شرایطی که رئال تا هشت دقیقه مانده به پایان وقت قانونی با نتیجه ۲-بریک عقب بود، نقطه عطفی در روند تیم محسوب می‌شود. آن برد غیرمنتظره، دومین پیروزی از چهار برد متوالی پیش از ال‌کلاسیکو بود و اعتمادبه‌نفس ازدست‌رفته بازیکنان را از حد زیادی بازگرداند. مورینیو در این مسیر تغییراتی مهم ایجاد کرد. یان دیوماندۀ در غیاب وینیسیوس جونیر، که دو مسابقه از

محرومیت چهار جلسه‌ای خود را پشت سر گذاشته، فرصت بیشتری پیدا کرد و توانست تأثیرگذاری خود را نشان دهد. استفاده از فدریکو والورده در دفاع راست و دادن نقش پررنگ‌تر به آردا گولر در خط میانی نیز از تصمیم‌های قابل توجه سرمربی پرتغالی بود. مقابل بارسلونا، برناردو سیلوا در کنار اورلین شوامنی در مرکز میدان قرار گرفت و ادواردو کاموینگا نیز با ورود از روی نیمکت، زمینه‌ساز گل پیروزی شد.

تبادل: کلید موفقیت رئال

یکی از مهم‌ترین مشکلات رئال پس از ورود امباپه در سال ۲۰۲۴، برهم‌خوردن تعادل دفاعی تیم در نتیجه استفاده همزمان از سه مهاجم بود. در ال‌کلاسیکو، اما بازیکنان رئال نشان دادند که می‌توانند در کنار حمله، با نظم و فداکاری نیز دفاع کنند. دیوماندۀ و گولر در کناره‌ها پرس می‌کردند و هنگام عقب‌نشینی به کمک خط دفاع می‌آمدند. شوامنی، برناردو سیلوا و جود بلینگام نیز بارها با بازگشت به محوطه جریمه خودی، توپ را از حریف گرفتند. این تلاش دفاعی به قیمت ازدست‌رفتن قدرت هجومی تمام نشد. رئال با ضدحمله‌های خطرناک و بازیسازی از عقب، موقعیت‌های متعددی ساخت و حتی می‌توانست با اختلاف بیشتری پیروز شود. امباپه در دقیقه ۴۱ گل نخست را به ثمر رساند و در دقیقه ۸۷، پس از حرکت تماشایی بلینگام و پاس کاموینگا، گل دوم خود و صدمین گلش برای رئال را ثبت کرد.

مورینیو و رختکنی که همراه اوست

برخلاف پیش‌بینی‌ها پس از دو فصل بدون جام و تنش‌های داخلی، مورینیو برای تثبیت موقعیت خود به تقابل قدرت با بازیکنان نیاز نداشته است. گزارش‌ها از تمرینات رئال حاکی از آن است که او و کادرش تلاش کرده‌اند ضمن حفظ استانداردهای بالا، شرایطی فراهم کنند تا ستاره‌ها بهترین عملکرد خود را ارائه دهند؛ تعادلی که ژاوی آلونسو و آلوآرو آربلوا در دوره‌های قبلی نتوانستند به خوبی برقرار کنند. پیروزی مقابل بارسلونا، جایگاه مورینیو را تقویت کرده و نشانه‌ای روشن از حمایت بازیکنان از سرمربی پرتغالی بوده است. رئال هنوز راهی طولانی تا قهرمانی دارد، اما این بار نه‌فقط به نتیجه، بلکه به کیفیت بازی و انسجام تیمی‌اش نیز می‌تواند امیدوار باشد. شاید مهم‌ترین دستاورد ال‌کلاسیکو همین باشد: مورینیو دوباره به رئال باور داده که می‌تواند برای قهرمانی بجنگد.

تمجید فابרגاس از تیمش

کومو، رقیب بزرگان در همه جام‌ها

از ما گرفته بود. برای رقابت در اینجا

مهم بود که با انرژی کافی وارد میدان شویم؛ به‌ویژه با حضور بازیکنانی که هفته‌ها یا ماه‌ها منتظر فرصتی برای بازی بودند. چالش واقعی این فصل، فشرده‌گی بازی‌هاست. اگر دقت کنید، حتی بزرگ‌ترین تیم‌ها هم با انجام تغییرات زیاد، دچار مشکل می‌شوند. در این بازی، دوویگاس، مهاجم یونانی، ستاره بی‌چون و چرای میدان بودو فابרגاس بلافاصله به تلاش و دوندگی بسیار زیاد این مهاجم، که زمینه‌ساز ضربات نهایی دقیق و بی‌نقص او شده بود، اشاره کرد. این ستاره اسپانیایی معتقد است اگر دوویگاس روند پیشرفت فعلی خود را ادامه دهد، تمام ویژگی‌های لازم را دارد تا به یکی از ترسناک‌ترین مهاجمان نوک در این لیگ تبدیل شود. فابریات زیاد، دچار مشکل می‌شوند. دفاعی تیم کومو نیز جلب توجه کرد. آنها با وجود استفاده از یک خط دفاعی کاملاً جدید، موفق شدند دروازه‌شان را بسته نگه دارند. فابרגاس تأکید کرد که این تیم در مدیریت مراحل مختلف بازی مهارت بیشتری پیدا کرده است؛ سازگاری است؛ تیم ما بسیار جوان است و برای من، واکنش امروز بازیکنان اهمیت زیادی داشت. عملکرد تیم را بسیار پسندیدم.»

👁👁

رئال هنوز راهی

طولانی تا قهرمانی

دارد، اما این

بار نه‌فقط به

نتیجه، بلکه به

کیفیت بازی و

انسجام تیمی‌اش

نیز می‌تواند

امیدوار باشد.

شاید مهم‌ترین

دستاورد

ال کلاسیکو

همین باشد:

مورینیو دوباره

به رئال باور داده

که می‌تواند برای

قهرمانی بجنگد



مورینیو هنوز تمام نشده است

رستاخیز به سبک رئال مادرید

نوکمپ، بهترین نقطه برای درخشش امباپه

نمره ۱۰۰ برای نینجا

کیلیان امباپه در جریان پیروزی ۲ بر یک رئال مادرید مقابل بارسلونا، به رکورد ۱۰۰ گل با پیراهن این باشگاه رسید. امباپه با دبل در ال کلاسیکو، نقش اصلی را در پیروزی رئال در ورزشگاه بارسلونا ایفا کرد و در صدوشان‌دهمین مسابقه خود برای مادرید، شمار گل‌هایش را سه‌رقمی کرد. او پس از این مسابقه تأکید کرد که موفقیت تیمی اهمیت بیشتری از رکوردهای فردی دارد: «خیلی خوشحالم. همه می‌دانند که گل‌زدن و کمک به تیم از این طریق را دوست دارم، اما فکر می‌کنم این فقط یک جزئیات است، چون مهم‌ترین مسأله پیروزی تیم و تلاش جمعی است. این برد اعتمادبه‌نفس زیادی به تیم می‌دهد و گل‌های بسیار بیشتری در راه خواهد بود؛ بنابراین، این رکورد آن قدرها مهم نیست.»

از مجموع ۱۰۰ گل امباپه با پیراهن رئال مادرید، ۶۷ گل در لالیگا، ۲۵ گل در لیگ قهرمانان اروپا، چهار گل در جام حذفی اسپانیا، دو گل در جام جهانی باشگاه‌ها و یک گل در سوپر جام اروپا و یک گل نیز در سوپر جام اسپانیا به ثمر رسیده است. او در نخستین فصل حضورش ۴۴ گل زد، فصل گذشته ۴۲ بار موفق به گلزنی شد و در فصل جاری نیز تاکنون ۱۴ گل به ثمر رسانده است. مهاجم فرانسوی از زمان نخستین گل خود برای رئال در فینال سوپر جام اروپا مقابل ات‌آلتنا در فصل ۲۰۲۵-۲۰۲۴، به دستاورد‌های فردی متعددی رسیده است. کسب کش طلای اروپا در فصل نخست حضور در مادرید، دو بار تصاحب جایزه پیچچی به‌عنوان بهترین گلزن لالیگا در فصل‌های ۲۰۲۵-۲۰۲۴ و ۲۰۲۶-۲۰۲۵ و آقای گلی لیگ قهرمانان اروپا در فصل گذشته، بخشی از کارنامه او بوده است. امباپه همچنین در سال ۲۰۲۵ با ثبت ۵۹ گل، رکورد کریستیانو رونالدو به‌عنوان بهترین گلزن رئال

مادرید در یک سال میلادی را برابر کرد. او در جام جهانی نیز با رسیدن به ۲۲ گل، عنوان بهترین گلزن تاریخ این رقابت‌ها را به نام خود ثبت کرده است. بااین حال، تأکید او پس از ال‌کلاسیکو نشان می‌دهد که ستاره فرانسوی در مادرید به رکورد ۱۰۰ گل قانع نیست و قصد دارد این آمار را در ادامه مسیر افزایش دهد.

بارسلونا رکورد درآمدی زد

بارسلونا با وجود شکست مقابل رئال مادرید در ال کلاسیکو، از نظر اقتصادی یکی از موفق‌ترین روزهای تاریخ باشگاه را تجربه کرد. دیدار دو تیم در ورزشگاه اسپانیای نوکمپ، ۱۹ میلیون و ۱۰۵ هزار و ۷۶۸ یورو درآمد برای آبی‌وآلاربی‌ها به همراه داشت؛ رقمی که رکورد قبلی ۱۶۰۴ میلیون یورویی را شکست. نکته جالب اینکه این رکورد با حضور ۵۵ تماشاگر ثبت شد؛ در حالی که دیدار ماه مه دو تیم ۶۲ هزار و ۲۱۳ تماشاگر داشت. افزایش قیمت بلیت‌ها و توسعه جایگاه‌های ویژه، نقش مهمی در این درآمدزایی ایفا کردند. میانگین قیمت بلیت‌های عادی به ۹۸۴ یورو و جایگاه‌های ویژه به ۲۷۲۷ یورو رسید. فروشگاه باشگاه نیز با فروش بیش از ۸۰۰ هزار یورویی در دو روز متوالی، رکورد تازه‌ای ثبت کرد. مجموعه محصولات مرتبط با همکاری بارسلونا و رپر آمریکایی، تایلرد کریتور نیز پر فروش‌ترین همکاری هنری تاریخ ال کلاسیکو در این زمینه شد.

طعنه هرتسلر به لیورپول

فقط یک تیم دنبال برد بود

لیگ برتر

سرمربی برایتون پس از شکست ۲ بر

صفر تیمش مقابل لیورپول در آتفیلد، از رویکرد میزانان انتقاد کرد و معتقد بود شاگردانش با وجود نمایش بهتر از بسیاری از شاخص‌های آماری، قربانی استفاده نکردن از فرصت‌ها شده‌اند.

فابیان هرتسلر پس از دومین شکست برایتون در فصل جاری لیگ برتر انگلیس، از عملکرد بازیکنانش دفاع کرد و گفت آنها شایسته نتیجه بهتری بودند. سرمربی ۳۳ ساله برایتون در نشست خبری پس از بازی، با کنایه به شیوه بازی لیورپول اظهار داشت: «همه تماشاگران حاضر در ورزشگاه دیدند که فقط یک تیم واقعاً برای خلق موقعیت و پیروزی تلاش می‌کرد. به همین دلیل باید از بازیکنانم تمجید کنم.»

لیورپول خیلی زود به برتری رسید و با دو گل در دقایق ابتدایی، مسیر مسابقه را به سود خود تغییر داد. ابتدا در دقیقه ۱۷، ضربه فلوریان ویرتز به گل به‌خودی پاسکال گروس منجر شد و چهار دقیقه بعد، الکساندر



مسئولیت دکو و لاپورتا در شب تلخ بلوگران

بارسلونا، ال کلاسیکورا در تابستان باخت

شکست ۲ بر یک بارسلونا مقابل رئال مادرید در ال کلاسیکو، بار دیگر ضعف‌های دفاعی تیم هانسی فلیک را به نمایش گذاشت؛ ضعف‌هایی که بیش از هر چیز به کمبود بازیکن در قلب خط دفاع مربوط می‌شود. بارسلونا در شرایطی وارد فصل جدید شد که جای خالی آنها بازیکنی جذب نکرد. حالا با دو مدافع میانی خود، رونالد آرناتخو و آلوآرو کورتس را از دست داده بود اما برای پر کردن جای خالی آنها بازیکنی جذب نکرد. حالا با مصدومیت چند مهره دفاعی، پیامدهای این تصمیم بیش از گذشته نمایان شده است. سبک بازی فلیک با خط دفاعی جلو و پرس شدید، مسئولیت سنگینی بر دوش مدافعان میانی می‌گذارد. آنها باید علاوه بر سرعت و تمرکز بالا، توانایی دفاع در فضاهای گسترده را داشته باشند؛ وظیفه‌ای دشوار که با کمبود بازیکن تخصصی و فشرده‌گی مسابقات پیچیده‌تر می‌شود.

بارسلونا در پنجره نقل‌وانتقالات تابستانی فرصت تقویت این بخش را داشت. الساندرو باستونی با ارزش تقریبی ۲۰ میلیون یورو، کاستلو لوبکا با ۶ میلیون، لوکا ووشکوویچ با ۵۴ میلیون، نیکو شلوتریک با ۵۰ میلیون و گونسالو ایناسیو با ۴۵ میلیون یورو از گزینه‌های مطرح بودند. کریستین رومرو نیز با ارزشی حدود ۲۰ تا ۳۰ میلیون یورو در میان گزینه‌های احتمالی قرار داشت. این ارقام لزوماً قیمت درخواستی باشگاه‌ها نبودند، اما نشان می‌دادند که بازار گزینه‌هایی برای بررسی در اختیار بارسلونا قرار داده بود. پائو کوبارسی جوان همچنان مسئولیت بزرگی بر عهده دارد و جرارد مارتین نیز به خط دفاع کمک کرده است، اما مصدومیت آندریاس کریستنسن، ژول کونده و اریک گارسیا، دست فلیک را برای تغییر و جرخش در ترکیب بسته است. اتکا به بازیکنان جوان بخشی از هویت بارسلوناست، اما نمی‌تواند جایگزین برنامه‌ریزی درست در بازار نقل‌وانتقالات شود. دکو به دلیل برخی تصمیم‌های موفق در ساخت ترکیب تیم مورد تحسین قرار گرفته، اما این بار نمی‌توان از کنار ضعف برنامه‌ریزی دفاعی به‌سادگی گذشت. شکست مقابل باری‌سن‌ژرمن و رئال مادرید نیز نشان داد که این مشکل دیگر صرفاً یک نگرانی احتمالی نیست. هرچند نمی‌توان تمام مسئولیت نتایج را به‌کردن مدیر ورزشی انداخت، اما این بازی‌ها به گونه‌ای طراحی شدند که بارسلونا برای ادامه رقابت در لالیگا و لیگ قهرمانان به گزینه‌های مطمئن‌تری نیاز دارد. اکنون پنجره زمستانی فرصتی است تا دکو بارسلونا را از شرایط رقابت در لالیگا و آنکه کمبود مدافعان میانی هزینه سنگین‌تری برای تیم فلیک داشته باشد.



خود به رتبه چهارم صعود کرده است. آندونی ایراتولا، سرمربی لیورپول نیز شروع دردمتند تیمش را عامل اصلی پیروزی دانست و گفت شاگردانش با بازی نهاجمی، پیروزی را توپ‌های دوم و برتری در نبردهای فردی توانستند شرایط مسابقه را کنترل کنند.

برایتون در ادامه باید دو بار پایپی به مصاف منچسترسی‌تی برود؛ ابتدا در جام اتحادیه و سپس در لیگ برتر. لیورپول نیز ابتدا برابر چلسی در جام اتحادیه قرار می‌گیرد و پس از آن، دیداری مهم مقابل آرسنال در لیگ برتر خواهد داشت.



عکس: ایران سجاد صفی

ناگفته های مظفری زاده در گفت وگو با «ایران ورزشی» از داوری تا قهرمانی تراکتور و نقل و انتقالات

ابهام فوتبال را خفه کرده است

در انتخابات فدراسیون، فوتبالی ها رأی نمی آورند

سعید مظفری زاده از جمله داورانی است که در یکی از حساس ترین دوره های فوتبال ایران وارد عرصه قضاوت شد؛ دورانی که اعتماد به داوران ایرانی در بازی های بزرگ، به ویژه شهرآورد تهران، تحت تأثیر حواشی سال های گذشته قرار داشت. او که فعالیت حرفه ای خود را از سال ۱۳۷۸ آغاز کرد، در طول دوران داوری اش قضاوت مسابقات مهمی را برعهده گرفت و تجربه حضور در فضای پرتنش فوتبال ایران را به دست آورد.

مظفری زاده در این گفت وگو از علاقه اولیه اش به فوتبال و ورود به دنیای داوری، قضاوت دیدار حساس پرسپولیس و سپاهان در سال ۱۳۸۷ و مسیر بازگشت داوری ایران به جایگاه بین المللی می گوید. او همچنین با مرور روند افسول داوری ایران در عرصه بین المللی، بر ضرورت شفافیت در رسیدگی به پرونده های فساد و تبانی تأکید دارد و معتقد است برخورد قاطع و اطلاع رسانی روشن نهاد های نظارتی می تواند به اعتماد عمومی در فوتبال کمک کند.

بسیاری از ما هنگام تماشای فوتبال دوست داریم یکی از آن یازده بازیکن داخل زمین باشیم، اما داور، همان نفر دوازدهم زمین است که کمتر به چشم می آید. آیا از ابتدا به داوری علاقه داشتید یا این مسیر به تدریج شکل گرفت؟

راستش من علاقه زیادی به فوتبال داشتم. در تیم های منتخب نوجوانان، جوانان و امید یزد بازی کردم. وقتی وارد دانشگاه شدم، در برگزاری مسابقات دانشگاه مشارکت داشتم و خودمان قضاوت بازی ها را برعهده می گرفتیم. از همان مقطع، علاقه ام به داوری بیشتر شد. در سال ۱۳۷۸ در کلاس داوری شرکت کردم و به طور رسمی وارد این مسیر شدم.

شما در دوره ای وارد داوری شدید که شهرآورد تهران سال ها با حضور داوران خارجی برگزار می شد و اعتماد به جامعه داوری ایران تا حدی تضعیف شده بود. در آن مقطع، پذیرش قضاوت یک داور ایرانی در مهم ترین بازی فوتبال کشور برای هواداران دشوار بود. با توجه به تعصبات شدید فوتبالی و حواشی متعدد دربی ها، این مسیر چگونه طی شد؟ شما تقریباً در تمام بازی های مهم قضاوت کرده اید.

بله، در آن دوره تعصبات فوتبالی بیشتر بود و فضای ورزشگاه ها نیز بسیار پرشور و متعصبانه تر دنبال می شد. به دلیل اتفاقاتی که در مسابقات دربی رخ داده بود، تصمیم گرفتند قضاوت این بازی ها را دوباره به داوران خارجی بسپارند.

من در سال ۱۳۸۷ دیدار پرسپولیس و سپاهان را قضاوت کردم؛ مسابقه ای بسیار جذاب و حساس که پرسپولیس در دقیقه ۹۷ به گل رسید. در آن زمان، آقای تاج نایب رئیس فدراسیون فوتبال بود و آقای عزیزمحمدی ریاست سازمان لیگ را برعهده داشت. بازی حساسیت بسیار زیادی داشت و تقریباً شبیه یک فینال بود. مسابقه تیزتا حدی حالت دراماتیک پیدا کرد و پرسپولیس در دقیقه ۹۷ گل زد.

در همان مقطع صحبت از این شد که از آن روز تصمیم گرفته اند قضاوت دربی را به داوران ایرانی بسپارند. در نهایت، چهار یا پنج روز پیش از برگزاری دربی، به من که در آن مقطع مسئول داوران بودم، اعلام کردند که قضاوت آن بازی را برعهده خواهم داشت. در فضای فوتبال ایران این گمان مطرح شد که به شما اتهام پرسپولیسی بودن زده می شود و همین موضوع باعث شد نخستین دور داورانی دربی نباشید.

ماجرا چه بود؟
واقعاً در این خصوص اطلاعی ندارم، اما آن دربی را آقای ترکی قضاوت کردند و در نهایت، پرونده استفاده از داوران خارجی در مسابقات لیگ بسته شد. بعدها قضاوت دربی به من هم رسید. اما به نظر من، سخت ترین، حساس ترین و سنگین ترین مسابقاتی که در لیگ ایران قضاوت کردم، همان بازی پرسپولیس و سپاهان بود.

باور کنید وقتی می خواستم به ورزشگاه بروم، از ورودی اتوبان تا خود ورزشگاه مملو از جمعیت بود و نزدیک به صد هزار نفر بیرون از ورزشگاه ایستاده بودند. شرایط آن مسابقه واقعاً خاص بود و فشار و حساسیت آن را به خوبی احساس می کردم.

شما در دوره ای وارد داوری شدید که از ابتدا اید دهه ۱۳۸۰ داوری ایران تقریباً یک دوره رکود در عرصه بین المللی را تجربه کرد. به نظر می رسید داوری ایران به تدریج از صحنه بین المللی فاصله می گیرد، اما نسل شما در مسیر نخبه شدن قرار گرفت و دوره بازگشت آغاز شد. این روند چگونه شکل گرفت؟

بله، در آن دوره داوری ایران از عرصه بین المللی فاصله داشت. سپس دوره بازگشت آغاز شد و طی یک فرایند تقریباً ده ساله، دوباره به نقطه افتخار رسیدیم. شاید سال ۲۰۰۸ میلادی یکی از پرافتخارترین دوره های داوری ایران بود. در آن سال هفت سهمیه داوری داشتیم و از نظر تعداد داوران، در رتبه دوم کشورهای آسیایی قرار گرفته بودیم؛ یعنی داوران ایرانی بیشترین سهم را در قضاوت مسابقات بین المللی آسیا در میان دوره های مورد اشاره داشتند.

متأسفانه از مقطعی به بعد، این روند معکوس شد و جایگاهی که از نظر تعداد داوران نخبه و شمار قضاوت های بین المللی داشتیم، به تدریج کاهش پیدا کرد. در نهایت، به جایی رسیدیم که فقط آقای فغانی را داشتیم و بار داوری بین المللی تا حد زیادی بر دوش او بود؛ بعد هم او را از دست دادیم!

شما در مجموعه سه شهرآورد تهران را قضاوت کردید که به نظر می رسد حاصل آنها یک برد و دو مساوی بوده



یکی از درد های فوتبال ما این است که نامزدهای برخاسته از بدنه فوتبال در این انتخابات ها رأی نمی آورند. اگر شرایط فراهم باشد و ببینیم می توانم وارد این عرصه شوم، تأثیرگذار باشم و کمکی بکنم، حتماً ورود خواهم کرد

آیا شما علاقه ای به مدیریت در حوزه داوری نداشتید؟

من شخصاً دوست نداشتم وارد حوزه مدیریت داوری شوم. با اطرافیانم ارتباط و دوستی داشتم و فکرمی کردم می توانم در حوزه ای خارج از داوری مدیریت کنم. مدیریت در حوزه ای غیر از داوری برای من راحت تر بود. البته می دانم برخی از دوستانم به مدیریت علاقه و تحصیلات مدیریتی داشتند و از داوران بزرگ نیز بودند. اما فرصت و مسیر لازم برای حضور آنها فراهم نشد.

فرضیه دیگری نیز مطرح است؛ اینکه باشگاه ها با به کارگیری داوران بازنشسته و نامدار به دنبال «زنگی» و رسیدن به نتایج مورد نظرشان هستند. نظر شما درباره این فرضیه چیست؟

من برعکس این فرضیه را شنیده ام. چند روز پیش در مصاحبه ای از من پرسیدند آیا داور بودن شما و حضور در حوزه مدیریت باعث می شود همکاران داوری برای شما امتیاز قائل شوند؟ پاسخ من این بود که چنین ارتباطی وجود ندارد. در ورزش، بسیاری از افراد سابقه بازیکنی، مربیگری یا داوری دارند و برای ورود به مدیریت ورزشی، لازم است یکی از ارکان ورزش را تجربه کرده باشند؛ داوری نیز یکی از این ارکان است. وقتی فردی وارد مدیریت می شود، موضوع کاملاً حرفه ای است.

قرار نیست چون من داور یا فوتبالیست بودم، با مدیر یا مربی تیمی که سابقه بازیکنی بودم یا او را دارم، حرفه ای غریبه های ایجاد شود. در فضای حرفه ای، حرفه ای قدر می کنیم. به نظر من، افرادی که از دل ورزش می آیند، در مدیریت داوری موفق تر عمل می کنند. زیرا تجربه لازم را دارند. البته افرادی که سابقه ورزشی ندارند، اما در عرصه اقتصادی یا حوزه های دیگر صاحب قدرت هستند نیز ممکن است از امتیازات و توانایی های خود استفاده کنند.

شما مسیر مدیریت فوتبال را آغاز کردید؛ حوزه ای متفاوت که در آن باید با بازیکنان مذاکره و مربی انتخاب می کردید و به طور مستقیم با هواداران در ارتباط بودید. نتایج تیم نیز مستقیماً به نام مدیریت می شد. این تجربه برای شما چگونه بود؟

تجربه بسیار خوبی بود. واقعاً مسئولیت سنگینی بر دوش مدیران فوتبال قرار دارد. در سال اولی که وارد حوزه مدیریت شدم، ابتدا سرپرست بودم و سپس به واسطه لطف و اعتماد هیأت مدیره و مالک محترم باشگاه تراکتور، پس از حدود دو تا سه ماه سرپرستی، به عنوان مدیرعامل انتخاب شدم.

در اولین سال مدیریت شما در باشگاه تراکتور، تیم پرستاره ای تشکیل شد و به قهرمانی رسیدید. جمع کردن چنین تیمی و رساندن آن به قهرمانی کار دشواری نبود؟ در فوتبال ایران گاهی تیم های پرستاره ای برای قهرمانی بسته شده اند، اما در نهایت حتی به سقوط رسیده اند. بخواننده دوران مدیریت من در باشگاه با کسب دو جام به شکل خوبی به پایان رسید. هواداران تراکتور نیز با وجود اینکه من

ترک زبان نبودم و فضای تبریز در برخی مسابقات شرایط دشواری داشت، محبت زیادی به من کردند و ارتباط خوبی با آنها برقرار شد. این محبت را هرگز فراموش نمی کنم.

مشکلات شخصی و خانوادگی و همچنین فشارهای کاری داشتم. ادامه کار برایم دشوار شده بود و احساس کردم دیگر کاری لازم را ندارم و نمی توانم آن طور که باید، خدمت کنم. به همین دلیل استعفا دادم و پس از مدتی بازگشتم.

شما با دو مربی خارجی، پاکو خمزو و دراگان اسکوچیچ، کار کردید. اگر بخواهیم این دو مربی را مقایسه کنیم، آقای اسکوچیچ به قهرمانی رسید، اما آقای خمز نیز مربی می زند و از او انرژی می گیرد.

او بهیچ وجه وارد این موضوع نشد. بارها پیش آمد که رسانه ها درخواست مصاحبه داشتند، اما او نمی پذیرفت و می گفت گذشته تمام شده است و نمی خواهد درباره آن صحبت کند. او واقعاً زحمت کشیده بود و از حذف شدن در مسیر جام جهانی دلگیر بود، اما هیچ گاه این موضوع را باز نکرد؛ زسرا معتقد بود پرداختن به آن و ایجاد فضای منفی می تواند بر عملکردش تأثیر بدی بگذارد.

زمانی که آقای خمز سرمربی تراکتور بود، گاهی می کرد که تیم را خودش نشسته و بازیکنان را باشگاه یا مالک انتخاب می کنند. این نقد مطرح بود. همچنین درباره جذب سه ستاره پرسپولیس سر و صدای زیادی به پا شد و گفته می شد مذاکرات در تعطیلات نوروز و حتی در مراسم ختم همسر آقای زنجوی انجام شده است. واقعیت چه بود؟

من در دوره سر مربیگری آقای خمز مدیرعامل انتخاب نشده بودم، خودمان برای جذب بازیکن اقدام می کردیم؛ زیرا فصل نقل و انتقالات بسیار حساس است. برخی شب ها دو تا سه ساعت با همکارانم درباره جذب بازیکن جلسه داشتیم. در یک بازه زمانی بیست و نه تا یک ماهه، وقت زیادی گذاشتیم. فیلم بازیکنان را دیدیم و با بازیکنان خارجی مذاکره کردیم.

هم زمان با جذب بازیکن، برای انتخاب سرمربی نیز تلاش می کردیم. گزینه های داخلی و خارجی متعددی را بررسی کردیم و چند نشست در داخل و خارج از کشور برگزار شد. در نهایت، با حضور آقای اسکوچیچ، این فرآیند به جمع بندی رسید. پیش از حضور او، مذاکرات با چند بازیکن داخلی و خارجی را آغاز کرده بودیم و به مراحل نهایی رسیده بودیم. اما آقای اسکوچیچ پس از ورود گفت که ابتدا باید وضعیت تیم و بازیکنان موجود را بررسی کند. همین اتفاق افتاد و از

مثال، اگر قرار بود بازیکنی تا تاریخ مشخصی ۳۰ درصد از قراردادش را دریافت کند، ما ۴۰ درصد پرداخت می کردیم تا احساس دلگرمی و پشتوانه داشته باشد. در برخی موارد نیز اختلاف ما بر سر ارقام بسیار ناچیز بود.

پرسپولیس، سپاهان و بسیاری از تیم های دیگر اطلاع دارم؛ زیرا سازمان لیگ این ارقام را اعلام می کند و ما نیز اطلاعاتی از خود بازیکنان به دست می آوریم. بازیکنانی بودند که با ما مذاکره کردند، اما در نهایت به باشگاه دیگری رفتند و مبلغ پیشنهادی آن باشگاه را به ما گفتند. به نظر من، هزینه نکرد تراکتور در مقایسه با آن سه باشگاه بزرگ، شاید حتی به یک سوم هم نمی رسید. اما اینکه بازیکنان حاضر بودند حتی با مبلغ پیشنهادی کمتر به تراکتور بمانند، دلایل مختلفی داشت. اول، نحوه پرداخت بود. ما همیشه در پرداخت ها جلوتر بودیم و پول بازیکنان را زودتر پرداخت می کردیم. برای

به آنها تفاوت اندکی با پیشنهاد باشگاه های دیگر داشت. اعتبار و جایگاه مالک باشگاه نیز در این زمینه تأثیرگذار بود.

در دوران حضور آقای اسکوچیچ در تراکتور، آیا او درباره نحوه برخورد با خودش در تیم ملی و حذف از جام جهانی گلابی های مطرح می کرد؟

دو یا سه بار در جمع های خدومانی درباره این موضوع صحبت شد. آقای هاشمی، از مدیران داخلی باشگاه، نیز حضور داشت. آقای اسکوچیچ گفت که نمی خواهد درباره آن موضوع صحبت کند و تمرکزش را روی تراکتور گذاشته است؛ زیرا درگیر کردن ذهن با آن مسأله به کارش لطمه می زند و از او انرژی می گیرد.

او بهیچ وجه وارد این موضوع نشد. بارها پیش آمد که رسانه ها درخواست مصاحبه داشتند، اما او نمی پذیرفت و می گفت گذشته تمام شده است و نمی خواهد درباره آن صحبت کند. او واقعاً زحمت کشیده بود و از حذف شدن در مسیر جام جهانی دلگیر بود، اما هیچ گاه این موضوع را باز نکرد؛ زسرا معتقد بود پرداختن به آن و ایجاد فضای منفی می تواند بر عملکردش تأثیر بدی بگذارد.

زمانی که آقای خمز سرمربی تراکتور بود، گاهی می کرد که تیم را خودش نشسته و بازیکنان را باشگاه یا مالک انتخاب می کنند. این نقد مطرح بود. همچنین درباره جذب سه ستاره پرسپولیس سر و صدای زیادی به پا شد و گفته می شد مذاکرات در تعطیلات نوروز و حتی در مراسم ختم همسر آقای زنجوی انجام شده است. واقعیت چه بود؟

من در دوره سر مربیگری آقای خمز مدیرعامل انتخاب نشده بودم، خودمان برای جذب بازیکن اقدام می کردیم؛ زیرا فصل نقل و انتقالات بسیار حساس است. برخی شب ها دو تا سه ساعت با همکارانم درباره جذب بازیکن جلسه داشتیم. در یک بازه زمانی بیست و نه تا یک ماهه، وقت زیادی گذاشتیم. فیلم بازیکنان را دیدیم و با بازیکنان خارجی مذاکره کردیم.

هم زمان با جذب بازیکن، برای انتخاب سرمربی نیز تلاش می کردیم. گزینه های داخلی و خارجی متعددی را بررسی کردیم و چند نشست در داخل و خارج از کشور برگزار شد. در نهایت، با حضور آقای اسکوچیچ، این فرآیند به جمع بندی رسید. پیش از حضور او، مذاکرات با چند بازیکن داخلی و خارجی را آغاز کرده بودیم و به مراحل نهایی رسیده بودیم. اما آقای اسکوچیچ پس از ورود گفت که ابتدا باید وضعیت تیم و بازیکنان موجود را بررسی کند. همین اتفاق افتاد و از

مثال، اگر قرار بود بازیکنی تا تاریخ مشخصی ۳۰ درصد از قراردادش را دریافت کند، ما ۴۰ درصد پرداخت می کردیم تا احساس دلگرمی و پشتوانه داشته باشد. در برخی موارد نیز اختلاف ما بر سر ارقام بسیار ناچیز بود.

پرسپولیس، سپاهان و بسیاری از تیم های دیگر اطلاع دارم؛ زیرا سازمان لیگ این ارقام را اعلام می کند و ما نیز اطلاعاتی از خود بازیکنان به دست می آوریم. بازیکنانی بودند که با ما مذاکره کردند، اما در نهایت به باشگاه دیگری رفتند و مبلغ پیشنهادی آن باشگاه را به ما گفتند. به نظر من، هزینه نکرد تراکتور در مقایسه با آن سه باشگاه بزرگ، شاید حتی به یک سوم هم نمی رسید. اما اینکه بازیکنان حاضر بودند حتی با مبلغ پیشنهادی کمتر به تراکتور بمانند، دلایل مختلفی داشت. اول، نحوه پرداخت بود. ما همیشه در پرداخت ها جلوتر بودیم و پول بازیکنان را زودتر پرداخت می کردیم. برای

میان بازیکنانی که ما مدنظر داشتیم، تنها یک نفر جذب شد. او بازیکنان دیگری را معرفی کرد و بویژه در بخش بازیکنان خارجی، فهرست موردنظر کاملاً تغییر کرد.

یکی از ارکان مهم مدیریت فوتبال در سراسر جهان، نقل و انتقالات است. شما در این حوزه موفق بودید و آمار و نتایج نیز نشان می دهد که تراکتور به قهرمانی رسید. دو پرسش مطرح است؛ اول اینکه چرا برخلاف برخی مدیران، خودتان را تبلیغ نکردید و لقب هایی مانند «سلطان» یا «شوالیه» برای خودتان انتخاب نکردید؟ دوم اینکه برخی مدیران معتقدند دلایل ها اجازه نمی دهند باشگاه ها موفق شوند. آیا شما با چنین مشکلی مواجه شدید؟

درباره پرسش اول باید بگویم که خارج از وظایفم اقدام تبلیغاتی انجام ندادم. همیشه می گفتم هر کاری انجام می دهم، وظیفه من است و پاداش واقعی ام محبت هواداران بوده است. هنوز هم وقتی تلفن همراهم را برای می کنم، پیام های محبت آمیز آنها را می بینم و وسوسه می شوم که تراکتور احساس خاصی دارم.

درباره پرسش دوم، سیاست ما در جذب بازیکن، سکوت بود و مذاکرات را رسانه ای نمی کردیم. اگر مذاکرات رسانه ای می شد، ممکن بود رقبا با اینجنت ها با پیشنهاد میلیی بالاتر وارد شوند و توافق را بر هم بزنند. دیده ایم که خبر مذاکره با یک بازیکن به بیرون درز کرده و باشگاه دیگری با میلیی بالاتر با او وارد مذاکره شده است.

به همین دلیل، سیاست ما سکوت کامل بود. وقتی سرمربی بازیکنی را معرفی می کرد، تنها مدیرعامل و یکی دو نفر از همکاران مسئول جذب بازیکن، مکاتبات و نامه نگاری ها را انجام می دادند و تا زمانی که توافق نهایی نشده بود، موضوع را اعلام نمی کردیم.

می دانید که حتی ارائه پیشنهاد به بازیکن، اگر ضوابط و اصول قراردادی در آن رعایت نشود، می تواند خطرناک باشد. بازیکن ممکن است روز بعد شکایت کند و بدون اینکه حتی یک دقیقه برای باشگاه بازی کرده باشد، کل مبلغ قرارداد را دریافت کند. چنین اتفاقی برای بسیاری از باشگاه های ما افتاده و میلیون ها دلار ضرر به همراه داشته است.

برخی باشگاه ها برای اینکه فشار از دوش شان برداشته شود، بازیکن را به عجله جذب می کنند، اما بعداً مشخص می شود که او در آزمایش های پزشکی موفق نبوده یا آمادگی لازم را ندارد. می توانم از خانواده ام دور باشم.

شما در بزرگ ترین باشگاه های کشور فعالیت کرده اید و کارنامه قابل دفاعی در فوتبال دارید. آیا برای ریاست فدراسیون فوتبال در آینده برنامه ای دارید؟ اگر بتوانم در مجموعه ای تأثیرگذار باشم و فرایندی را که مدنظر دارم دنبال کنم، هر جایگاهی که برای انجام این کار مناسب بدانم، انتخاب خواهم کرد.

در فضای فوتبال ایران مطرح می شود که در انتخابات فدراسیون فوتبال، رأی خرید و فروش می شود. آیا این موضوع را تأیید می کنید؟
انتخابات، یک فرایند است. من فردی نیستم که بخواهم وارد فرآیندهایی شوم که با شیوه کاری ام مطابقت ندارند.

یکی از دردهای فوتبال ما این است که نامزدهای برخاسته از بدنه فوتبال در این انتخابات ها رأی نمی آورند. اگر شرایط فراهم باشد و ببینم می توانم وارد این عرصه شوم، تأثیرگذار باشم و کمکی بکنم، حتماً ورود خواهم کرد.

● اردوگاه سرخ

تاریخ جدید برگزاری مجمع باشگاه

آکپهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه صاحبان سهام شرکت فرهنگی ورزشی پرسپولیس (سهامی عام) برای سال مالی منتهی به ۳۱ خرداد ۱۴۰۵ منتشر شد.

براساس این آکپهی، مجمع عمومی عادی سالیانه باشگاه پرسپولیس به‌دلیل عدم حصول حدنصاب در جلسه مورخ ۲۰مرداد ۱۴۰۵، روز چهارشنبه ۱۳ آبان ۱۴۰۵ از ساعت ۱۰صبح در سالن همایش شهدای ضلعی غربی استادیوم آزادی، پس از کسب مجوزهای لازم برگزار خواهد شد.

همچنین انتخاب حسابرس مستقل و بازرس قانونی اصلی و علی‌البدل شرکت برای سال مالی منتهی به ۳۱خرداد ۱۴۰۶ و تعیین حق‌الزحمه، انتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آکپهی‌ها و اطلاعیه‌های شرکت، تعیین حق حضور اعضای غیرموظف هیأت‌مدیره و اعضای مستقل کمیته‌های تخصصی و اتخاذ تصمیم درباره پاداش هیأت‌مدیره از دیگر موارد دستور جلسه خواهد بود.

شکایت پرسپولیس از داور

در جریان بازی با فولاد، عرب‌رافی داور مسابقه در نیمه نخست اخطار عجیبی به شهرآبادی داد و در نیمه دوم به شکل ناباورانه‌ای محسن خلیلی و علیرضا محمد را با ۲کارت قرمزمتوالی اخراج کرد. به همین خاطر باشگاه پرسپولیس با انتقاد از تصمیمات داور و نحوه مدیریت جریان مسابقه، خواستار بررسی دقیق عملکرد تیم داری و شفاف‌سازی درباره اتفاقات رخ‌ده در این دیدار شد.

باشگاه پرسپولیس تأکید دارد که تصمیمات داور و نحوه مدیریت میدان باید با دقت و حساسیت بیشتری مورد ارزیابی قرار گیرد و هیچ تبیی نباید از حق برخورداری از قضاوت عادلانه و اجرای یکسان قوانین محروم شود. در همین راستا، این باشگاه با ارسال نامه‌ای رسمی به سازمان لیگ و کمیته داوران، خواستار رسیدگی جدی به موارد مورد اعتراض و پاسخگویی مسئولان مربوطه شده است. باشگاه پرسپولیس ضمن تأکید بر احترام به جایگاه داور، تأکید کرد دفاع از حقوق باشگاه و هواداران ملیپوئی آن‌را حق خود دانسته و انتظار دارد نهادهای مسئول با بررسی دقیق اتفاقات این مسابقه، پاسخ روشنی به اعتراض مطرح‌شده ارائه دهند.

تبرئه نیازمند توسط سلطانی

بهرروز سلطانی، دروازه‌بان سابق پرسپولیس در مصاحبه خود درباره کل تیم فولاد و اینکه آیا نیازمند روی این گل مقصر بوده یا نه، گفت: به نظر من نیازمند مقصر نبود. شاید هرکس دیگری هم بود، این گل را می‌خورد. شوت از فاصله مناسبی و با شدت بالا زده شد و پیام هم هر چندر خوش را کش آورد، به توپ نرسید. در کل او دروازه‌بان خوبی است، اما متأسفانه خیلی کم خروج می‌کند. این قدر کم خروج می‌کند که به نظر می‌رسد پای او را به تیر دروازه بسته‌اند. گاهی اوقات لازم است دروازه‌بان از دروازه خارج شود. اما در کل دروازه‌بان باهوش و تقریباً کاملی است.

انتقاد از تعویض بیفوما

مثل برخی هواداران، مرضی کرمانی مقدم پیشکسوت پرسپولیس هم از تعویض بیفوما انتقاد کرد و گفت: فولاد در نیمه نخست باهوش بازی کرد و توانست بازی را به‌خوبی کنترل کند تا گل نخورد و در نیمه دوم نیز با تغییراتی که انجام داد، توانست شرایط بازی را به نفع خود تغییر دهد. به اعتقاد من، تعویض بیفوما تصمیم درستی نبود؛ زیرا با خروج او، قدرت هجومی پرسپولیس کاهش پیدا کرد و بازیکنان فولاد راحت‌تر فوتبال بازی کردند. بیفوما به‌دلیل سرعت و توانایی‌هایش، مدافعان حریف را تحت فشار قرار می‌داد و حضورش می‌توانست به پرسپولیس کمک کند.

نکته جالب این است که باوجود اسکواد فعلی، کرمانی مقدم می‌گوید پرسپولیس به بازیکن جدید نیاز دارد؛ به نظر من، پرسپولیس در نیم‌فصل باید برای جذب بازیکن در خط میانی و خط حمله اقدام کند. این تیم به دو بازیساز توانمند در میانه میدان نیاز دارد و باید خط حمله خود را نیز تقویت کند تا در ادامه مسابقات با شرایط بهتری به میدان برود.

سه مصدوم روی دست تارتار

با مصدومیت محمد خداینده‌لو تعداد بازیکنان مصدوم پرسپولیس در زمانی کوتاه به ۳ نفر رسید. بعد از مصدومیت اوستون اورونوف و حسین ابرقویی که در فهرست بازی با فولاد حضور نداشتند، محمد خداینده‌لو هم در دقیقه ۱۸ مصدوم شد و از زمین بیرون رفت. هافبک آماده سرخ‌ها از ناحیه دوقلوی پا آسیب دیده و حالا این احتمال وجود دارد که هر ۳بازیکن دیدار شنبه مقابل نساجی در قائمشهر را از دست بدهند. البته باشگاه پرسپولیس تا بعد ازظهر دیروز هیچ‌گونه خبری درباره میزان آسیب‌دیدگی این بازیکنان منتشر نکرده بود و اگر خداینده‌لو هم در جریان تمرینات آسیب می‌دید هیچ‌کدام از هواداران از این مسأله با نظری باشگاه خبردار نمی‌شدند.

از همان چیزی که می‌ترسیدیم اتفاق افتاد

تارتار و ضعف مشهود در کوچینگ حین بازی

● گزارش یک

محمد قزاقزلو

خبرنگار

پرسپولیس دومین باخت را در ۱۰ هفته ابتدایی متحمل شد تا با وجود موقعیت خوبش در جدول تریدیهایی که قبل از فصل در ذهن هواداران و علاقه‌مندان به این تیم درباره موقعیت مهدی تارتار وجود داشت و البته طی مقطع ابتدایی فصل کم‌رنگ شده بود دوباره از گور سر برآورده و همه به این فکر کنند که آیا این تیم با چنین اسکواد قدرتمندی می‌تواند مدعیان دیگر را کنار زده و به قهرمانی دست یابد؟

ریتیم مناسب نیمه نخست با وجود بدشانسی

پرسپولیس شروع نسبتاً خوبی مقابل فولاد داشت اما از همان ابتدا با نوع پرس و شدت بازی تیم حریف مشخص بود برخلاف سه چهار بازی قبلی از جهت تحت فشار گذاشتن تیم مقابل و خلق موقعیت کار راحتی نخواهد داشت. البته که جایگاه فولاد در جدول و کیفیت این تیم در هفته‌های اخیر مشخص کرده بود پیروزی مقابل تیمی که می‌خواهد مدعی انتقاد از تصمیمات داور و نحوه مدیریت جریان هواداران تصور می‌کردند پرسپولیس با این اسکواد قادر به شکست حریفش هست و می‌تواند روی این سه امتیاز حساب باز کند.

آسیب‌دیدگی اورونوف و ابرقویی قبل از بازی با توجه به کیفیت بازیکنان روی نیمکت اتفاق تلخی نبود اما مصدومیت محمد خداینده‌لو به عنوان قلب تپنده تیم تارتار ضربه بزرگی به این تیم قبل از دقیقه ۲۰ وارد کرد.

با وجود این ریتیم پرسپولیس در نیمه نخست قابل قبول بود و با در نظر گرفتن سازماندهی دفاعی فولاد سرخ‌ها سه چهار باری به این دیوار زرد نفوذ کردند. موقعیت دقیقه ۱۴ بازی با نفوذ خداینده‌لو و ضربه والی نهایی علینور منجر به دفع توپ لک شد. شانس دوم با یک کرنر به دست آمد که کرنر بیفوما را ایری روی تیر یک قطع کرد.

موقعیت سوم با پرس عالی علینور به دست آمد اما ضربه پورعلی راهی به دروازه نیافت و کرنر به دست آمد. آخرین موقعیت نیمه نخست هم نصیب محمد مهدی محبی شد که ضربه نهایی‌اش را دقیق زد.

در مجموع پرسپولیس برخلاف بازی‌های قبلی خانگی‌اش نیمه اول فوق‌العاده‌ای را پشت سر گذاشت اما با در نظر گرفتن توانمندی‌های فولاد، ضرابه‌نگ تیم در انجام کارهای ترکیبی و تحت فشار گذاشتن حریف قابل قبول بود، کما اینکه سه چهار

موقعیت نصفه‌ونیمه گلزنی هم خلق شد. در عین حال سازمان دفاعی تیم تارتار هم با وجود تغییر در هسته مرکزی و زوجی که برای نخستین‌بار تشکیل شده بود، عملکرد مناسبی داشت و فولاد موفق نشد موقعیتی خلق کند.

تغییرات بی نتیجه نیمه دوم

اما داستان نیمه دوم داستان متفاوتی است چرا که بررسی نمایش پرسپولیس در این نیمه نشان می‌دهد کیفیت فنی تیم در فاز حمله نه تنها بهبود نیافته بلکه ضعیف‌تر شده و در فاز دفاع هم با تنها حمله جدی تیم دروازه‌اش را باز شده دیده است. تارتار نیمه دوم را با یک تغییر شروع کرد و شهرآبادی را از زمین بیرون کشید و ابوالفضل جلالی را جایگزین او کرد. با این تعویض، تیکدروی در دفاع چپ به پست هافبک راست رفت تا محبی پست مهاجم بازی کند اما عملاً این تغییر جواب نداد و تیم در فاز حمله دچار گیجی و بی‌برنامگی عجیبی شد.

این تغییرات در حالی صورت گرفت که شهرآبادی در نیمه نخست تحرک بسیاری در خط حمله داشت و خط دفاع حریف را به شدت تحت فشار می‌گذاشت ضمن اینکه همکاری بیفوما و تیکدروی در جناح چپ این کانال را راه انداخته بود. در نقطه مقابل محبی در پست مهاجم سایه کاری از پیش نبرد، همان‌طور که جلالی تا پایان مسابقه عصری ناکارآمد در فاز حمله بود و نتوانست در آن جناح کاری از پیش ببرد، به‌طوری که بیفوما هم تا حد زیادی از بازی خارج و تارتار مجبور شد تعویضش کند. فقط ۲۰ دقیقه از نیمه دوم گذشت که مشخص شد تغییر بین دو نیمه تغییر درستی نبوده یا حداقل اینکه جواب نداده است. به همین خاطر صادقی جای بیفوما را در پست هافبک چپ گرفت و سرگیف جانشین تیکدروی شد تا محبی که بازیکن مورد علاقه تارتار به حساب می‌آید به پست هافبک راست برگردد و سرگیف در خط حمله نزدیک علینور باشد.

با وجود این تغییرات پرسپولیس در فاز حمله اصلاً شدت و تمرکز لازم را نداشت و تنها یک بار سرگیف در موقعیت گلزنی قرار گرفت که خلق این موقعیت نیز نه از پی تحت فشار گذاشتن فولاد بلکه با یک کار سه نفره در زمین حریف و استفاده از پرس مناسب، کار ترکیبی درست و خلاقیت محبی در ارسال پاس نهایی به دست آمد که البته به سادگی هم از دست رفت. در واقع سرگیف با این کیفیت ضربه‌آخردر چنین موقعیت مهم و خطیری نشان داد این تغییر تارتار هم تغییر درست و مناسبی نبوده و مهاجم ازبک نه تنها به کیفیت خط حمله چیزی نیفزوده بلکه از انجام وظیفه اصلی‌اش در بهترین موقعیت عاجز مانده است.

داشته باشد.

نکته اینجاست که در مقطع دوم فصل و قبل از فیکادی آیان

پرسپولیس دو بازی دیگر خواهد داشت که یکی از آنها با نساجی رتبه یازدهمی و دیگری مقابل فجرسپاسی سرخ‌ها هیچ کدام از تیم‌های نیمه بالای جدول را نبرده‌اند و تمام پیروزی‌هایشان مربوط به نیمه پایینی ایش است.

پرسپولیس مقابل شمس آذر، صنعت نفت، ذوب‌آهن، مس شهرابک، ملوان و استقلال خوزستان شش پیروزی به‌دست آورده که همگی شش تیم انته‌ای جدول از رده سیزدهم تا هجدهم هستند. تساوی داده و مقابل فولاد هم شکست خورده است تا در مصاف با تیم‌های نیمه بالای جدول بدون پیروزی، تنها دو باخت و دو تساوی

● تعویض

پنجم به جابه‌جایی دو مدافع میانی اختصاص یافت در حالی که محمد عمری و امیرحسین محمودی

به عنوان دو

گزینه تهاجمی

و خلایق روی

نیمکت حضور

داشتند و

می‌شد از

آنها به عنوان

آخرین

تیر ترکش

استفاده کرد

تعویض پنجمی که عملاً سوخت

اما تغییر پنجم عجیب‌ترین نکته بود.

در حالی که پرسپولیس بدون اورونوف و بیفوما با کمترین میزان خلاقیت در فاز حمله دنبال خلق موقعیت بود و مشخصاً با محبی تنها در حوالی دروازه حریف به جای نمی‌رسید. تعویض پنجم به جابه‌جایی دو مدافع میانی اختصاص یافت در حالی که محمد عمری و امیرحسین محمودی به عنوان دو گزینه تهاجمی و خلایق روی نیمکت حضور داشتند و می‌شد از آنها به عنوان آخرین تیر ترکش استفاده کرد.

زارع جای کتغانی را در قلب دفاع گرفت

چرا که به نظر می‌رسید کتغانی بعد از مصدومیتی طولانی چون به یکباره فیکس شده شرایط بدنی لازم برای پایان بردن بازی را ندارد.



در واقع همان‌طور که تعویض اول با مصدومیت خداینده‌لو و از سر بدشانسی سوخت، یک تعویض دیگر نیز با اشتباه کادر فنی در بازی دادن به کتغانی در ترکیب اصلی- به نظر نمی‌رسید زارع مصدوم باشد- سوخت و به جای آنکه در ۱۵۰۲۰ دقیقه پایانی تارتار از اسکواد پروپیماناش در جهت تقویت خط حمله استفاده کند برای ترمیم ساختار دفاعی استفاده کرد.

فرضیه‌ای که دوباره مطرح شد

این اتفاقات در نهایت شرایطی را رقم زد که فولاد بدون موقعیت گل در این بازی برنده باشد و با اینکه هنوز چیزی از دست نرفته اما پرسش‌های قبلی در مورد تارتار و کادر فنی پرسپولیس به شکل جدی‌تر و با صدای بلندتری تکرار می‌شود.

آمار ناامیدکننده پرسپولیس در خلق موقعیت

باختن به تیمی که امید گلش ۰٫۱۶ بود، هنرمی خواهد!

نبود اما فقط ۲ تا از آنها داخل چهارچوب زده شد و بالطبع امید گل سرخ‌ها به یک هم نرسید و در عدد ۰٫۰۹۶ باقی ماند. این در حالی است که در بازی‌های قبلی امید گل سرخ‌ها بعضاً از ۲ عبور می‌کرد و حتی در مواردی مثل دیدار با مس شهر بابک یا ملوان از ۳ و ۴ هم‌رشته بود. اما شرایط فولاد در این آیتم تعیین‌کننده بسیار عجیب است چرا که تیم مظهری کلاً ۳ شوت به دروازه پرسپولیس زد که یکی از آنها داخل چهارچوب بود و همان هم گل شد. جالب اینکه به تبع این آمار، آیتم امید گل فولادی‌ها فقط و فقط ۰٫۱۶ ثبت‌شده است. در واقع این صحبت مهدی تارتار که در نشست خبری تأکید کرد فولاد بدون موقعیت گل برنده این بازی شد کاملاً کالت‌ر از آن خود کرد. در نقطه مقابل فولاد با ۳۶۱ پاس که دقت ۶۹٫۵ درصدی داشت در ۳۸٫۸ درصد‌زمان مسابقه مالک توپ بود.

پرسپولیس در این مسابقه فوق‌العاده کم خطا بود و فقط ۴ خطا داد و یک کارت زرد گرفت در حالی که حریفش ۱۵ خطا کرد و ۲ کارت زرد گرفت. در نبردهای تن به تن که پرسپولیس بعضاً با وجود پیروزی شرایط خوبی نداشت و پایین‌تر از حریفش بود این بار ۵۷٫۳ درصد مقابل ۴۲٫۷ درصد برنده شد اما اصل کار مشکل داشت.

تیم تارتار در این مسابقه ۱۰ شوت زد که بد

شعار «بی‌غیرت، بی‌غیرت» جای تشویق ایسلندی را گرفت

پایان ماه عسل پرسپولیس و تارتار

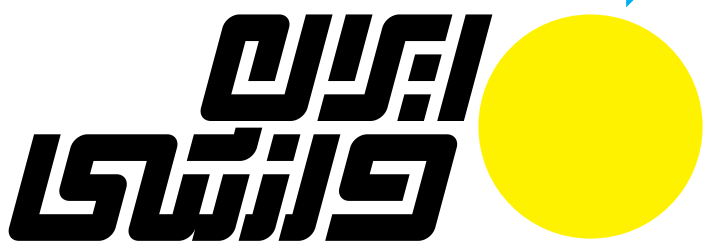
● سوژه



هواداران می‌بینند و درک می‌کنند فراتر از این است که آنها در هر شرایطی پشت تیم باشند یا حداقل اینکه در بدترین روزها نیز چنین شعارهایی سرزنند. بازی با فولاد و اتفاقات آن ثابت کرد فاصله تشویق ایسلندی بعد از هر پیروزی در ورزشگاه شهرقدس تا شعاری بی‌غیرت، بی‌غیرت می‌تواند چقدر کوتاه و نزدیک باشد. تارتار البته می‌خواهد به سبک مربیان با تجربه و کاربلد فشار را از روی دوش بازیکنانش بردارد و روی دوش خودش و کادرش بیندازد اما فقط با کسب نتایج خوب می‌خواهد به ما کمک می‌کند.

پرسپولیس، امروز سپاهان و استقلال را هم امتیاز خود می‌بیند و فولاد نیز در یکدمی آنهاست کما اینکه تارکتور با پیروزی در بازی عقب‌افتاده‌اش سه امتیاز جلو خواهد افتاد و این چیزی نیست که هواداران را نگران نکند.

برای اولین بار سیبل شدند آنهاهایی که بخصوص تازه امسال به پرسپولیس آمده‌اند، بدانند کجا هستند و چطور در حالی که تیم فعلاً در صدر جدول قرار دارد اینطوری بی‌غیرت خطاب می‌شوند. به هر حال واکنش مهدی تارتار هم به این شعارها جالب بود و گفت: تیم خوبی هستیم و نباید اتحاد خودمان را از دست بدهیم. از هواداران می‌خواهم جز درباره من صبور باشند. باید از باخت‌ها درس بگیریم. ما هنوز صدرنشین هستیم. نباید دوباره می‌گوییم اتحاد با ما کمک می‌کند. شرمنده هواداران شدیم اما باز هم می‌گویم اتحاد با ما کمک می‌کند. تارتار قبل از این هم چندین بار درباره حفظ اتحاد بین اعضای تیم و باشگاه و این شکست با آنهاست. البته که در ورزشگاه شهدای شهرقدس عکس این قضیه را شاهد بودیم چراکه بازیکنان



بازگشت به مسیر توسعه؛ از شعار تا اصلاح ساختار

سرمایه‌گذاری هدفمند در ورزشگاه‌ها و آکادمی‌هاست. بهبود زیرساخت باید همراه با برنامه تأمین مالی، زمان‌بندی و نظارت باشد. در کنار آن، پرورش بازیکنان جوان باید از یک شعار همیشگی به بخشی از مدل اقتصادی باشگاه تبدیل شود؛ مدلی که بتواند از طریق آموزش، استفاده از بازیکنان بومی و انتقال بازیکنان به تیم‌های دیگر، ارزش ورزشی و مالی ایجاد کند.

و زمینه برنامه‌ریزی بلندمدت را فراهم کنند. گام دوم، اجرای واقعی خصوصی‌سازی و شفافیت مالی است. تغییر عنوان مالکیت بدون تغییر در نحوه اداره، پاسخگویی و تأمین منابع، به‌تنهایی فوتبال را حرفه‌ای نمی‌کند. باشگاه باید صورت‌های مالی روشن داشته باشد، هزینه‌های خود را با درآمدش متناسب کند و درباره بدهی‌ها و تعهداتش پاسخگو باشد. گام سوم،

- صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
- مجری: مؤسسه فرهنگی و مطبوعاتی ایران
- رئیس هیأت مدیره: صادق حسین‌جاری‌انصاری
- مدیرعامل و مدیر مسئول: علی متقیان
- سردبیر ارشد مؤسسه: هادی خسرو شاهین
- سردبیر ایران ورزشی: علی جوادی
- تلفن: ۰۲۱-۸۸۵۵۱۳۳۰
- فاکس: ۰۲۱-۸۸۵۵۱۳۳۰
- چاپ: چاپخانه مؤسسه جام جم
- سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ - ۸۸۵۵۱۳۳۰
- امور نشر: ۸۸۵۵۱۳۳۰ - ۸۸۷۴۸۸۵۰
- نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- صندوق پستی: ۵۳۳۸۸-۱۵۸۷۵

سبقت تایلند و الگوی توسعه ژاپن و کره، زنگ هشدار برای فوتبال ایران

پادشاهی با تاج زنگ‌زده



عکس دیدار تیم بوریرام تایلند در لیگ نخنگان

فوتبال آسیاست. بوریرام یونایتد نمونه‌ای از ثبات باشگاهی در تایلند به شمار می‌رود. این باشگاه با ورزشگاهی به ظرفیت حدود ۳۲ هزار و ۶۰۰ نفر، برنامه‌ریزی چند ساله و ارتباط مستمر با هواداران، توانسته پایگاهی مشخص برای رقابت بسازد. در فوتبال ایران، تغییرات مدیریتی و نوسان بودجه در بسیاری از باشگاه‌ها مانع شکل‌گیری چنین ثباتی می‌شود. بازگشت به جایگاه گذشته، نه با تکرار افتخارات تاریخی، بلکه با اصلاح شیوه اداره فوتبال، سرمایه‌گذاری هدفمند و پایبندی به برنامه‌های بلندمدت امکان‌پذیر خواهد بود.

در لیگ نخنگان و یک سهمیه در لیگ قهرمانان آسیا ۲ اعلام شده، در حالی که ایران دو سهمیه در لیگ نخنگان و یک سهمیه در لیگ قهرمانان آسیا ۲ دارد. اندونزی نیز یک جایگاه مقدماتی در لیگ قهرمانان آسیا ۲ در اختیار دارد. این ارقام از پیشی گرفتن تایلند در توزیع سهمیه‌های مورد اشاره حکایت دارند، هرچند فاصله ایران با اندونزی همچنان قابل توجه است. نگرانی اصلی، سقوط فوری فوتبال ایران به سطح اندونزی نیست؛ بلکه ارتقای جایگاه رقیبی منطقه‌ای است که با بهبود عملکرد باشگاه‌ها و اصلاح ساختارها در پی افزایش سهم خود از



بوریرام یونایتد نمونه‌ای از ثبات باشگاهی در تایلند به شمار می‌رود. این باشگاه با ورزشگاهی به ظرفیت حدود ۳۲ هزار و ۶۰۰ نفر، برنامه‌ریزی چند ساله و ارتباط مستمر با هواداران، توانسته پایگاهی مشخص برای رقابت بسازد

ایران همچنان از نظر عملکرد قاره‌ای بالاتر از اندونزی قرار دارد؛ کشوری که در رتبه‌بندی مورد اشاره با ۲۹۹.۲۶ امتیاز در رده هجدهم ایستاده است. بنابراین، سخن گفتن از همسطح شدن فوری فوتبال ایران با این کشور دقیق نیست. مسأله اصلی آن است که ایران با وجود سابقه و ظرفیت بیشتر، در برخی شاخص‌های اقتصادی و مدیریتی از کشورهایی عقب مانده که برای کاهش فاصله خود برنامه‌های مشخصی را دنبال می‌کنند.

فاصله ایران با ژاپن و کره جنوبی یک‌شبه شکل نگرفته است. این دو کشور توسعه فوتبال را به برنامه‌ای مستمر تبدیل کرده‌اند؛ برنامه‌ای که با تغییر مدیران یا ناکمی در یک مسابقه متوقف نمی‌شود. ثبات سیاست‌ها، سرمایه‌گذاری در آکادمی‌ها، توسعه زیرساخت‌ها و ایجاد مسیرهای درآمدزایی، اجزای اصلی این الگو هستند. در ژاپن، حضور بازیکنان در لیگ‌های اروپایی بخشی از یک مسیر گسترده‌تر توسعه است. صادرات بازیکن زمانی نشانه قدرت یک نظام فوتبال خواهد بود که حاصل استعدادیابی، آموزش و برنامه‌ریزی باشد، نه ظهور چند استعداد استثنایی. فوتبال ایران نیز بازیکنانی مانند مهدی طارمی و سردار آزمون را به اروپا معرفی کرده، اما هنوز نتوانسته این مسیر را به محصول یک نظام پایدار و سازمان‌یافته تبدیل کند. کره جنوبی نیز نشان می‌دهد پیشرفت الزاماً به هزینه‌های سرسام‌آور وابسته نیست. باشگاه پوهانگ استیلرز با سرمایه‌گذاری مستمر در آکادمی و پرورش بازیکنان جوان، نمونه‌ای از بهره‌وری را ارائه کرده است. در نمونه مطرح شده، هزینه سالانه آکادمی این باشگاه حدود دو میلیارد وون برآورد شده و بازیکنان و خانواده‌هایشان هزینه‌ای نمی‌پردازند.

گزارش ویژه

محمد رضا رحیم‌پور خبرنگار

سال‌ها فوتبال ایران با عنوان «آقای آسیا» شناخته می‌شد؛ لقبی که ریشه در حضور باشگاه‌های ایرانی در مراحل پایانی رقابت‌های قاره‌ای، استعدادهای فراوان، هواداران پرشور و جایگاه تاریخی فوتبال کشور داشت. اما فوتبال حرفه‌ای را نمی‌توان با خاطرات گذشته اداره کرد. در رقابتی که اقتصاد، زیرساخت، مدیریت و برنامه‌ریزی بلندمدت به اندازه کیفیت بازیکنان اهمیت دارند، اعتبار تاریخی نمی‌تواند جای خالی توسعه را پر کند. امروز مسأله اصلی، کمبود استعداد در فوتبال ایران نیست؛ پرسش این است که چرا با وجود این سرمایه انسانی و اجتماعی، لیگ برتر نتوانسته ظرفیت‌های خود را به ساختاری اقتصادی و پایدار تبدیل کند. مقایسه فوتبال ایران با ژاپن و کره جنوبی از یک سو و اندونزی از سوی دیگر، فاصله‌ای را آشکار می‌کند که بیش از کمبود استعداد، از تفاوت در شیوه اداره و برنامه‌ریزی فوتبال سرچشمه می‌گیرد. بر اساس ارقام ارائه شده برای رتبه‌بندی باشگاهی کنفدراسیون فوتبال آسیا در فصل ۲۰۲۵-۲۰۲۴، ژاپن با ۱۰۷.۷ امتیاز و کره جنوبی با ۹۱ امتیاز بالاتر از ایران قرار دارند. امتیاز ایران ۶۸.۹ است و تایلند با ۵۴.۹ امتیاز در رتبه بعدی ایستاده است. این ارقام از فاصله قابل توجه ایران با قدرت‌های سنتی شرق آسیا حکایت دارند؛ فاصله‌ای که نزدیک شدن تایلند به جایگاه فوتبال ایران را نیز به هشدار جدی تبدیل می‌کند.

اندونزی؛ وقتی تماشاگر به یک دارایی اقتصادی تبدیل می‌شود



اندونزی مسیر متفاوتی را طی می‌کند. این کشور با جمعیتی بیش از ۲۷۰ میلیون نفر، از بازاری بزرگ برای فوتبال برخوردار است و تلاش کرده این ظرفیت را به افزایش مخاطب و جذابیت مسابقات تبدیل کند. لیگ برتر اندونزی در فصل ۲۰۲۶-۲۰۲۵ حدود یک میلیون و ۹۵۰ هزار تماشاگر داشت و میانگین حضور تماشاگران به ۶۳۷۲ نفر رسید. در یک مسابقه نیز تعداد تماشاگران به حدود ۵۷ هزار نفر رسید. در هفته‌های ابتدایی فصل ۲۰۲۷-۲۰۲۶، میانگین حضور تماشاگران به ۷۶۲۱ نفر افزایش یافت و در دیدار پرسپسیا و پرسپسب نزدیک به ۵۹ هزار نفر در ورزشگاه حضور پیدا کردند.

این آمار به‌تنهایی به معنای برتری فنی فوتبال اندونزی نیست. جایگاه این کشور در رتبه‌بندی باشگاهی آسیا همچنان پایین‌تر از ایران است و افزایش تماشاگران هنوز به نتایج قاره‌ای متناسب تبدیل نشده است. با این حال، اندونزی در حال ایجاد زیرساخت‌هایی است که می‌تواند در آینده فاصله موجود را کاهش دهد. افزایش سقف بازیکنان خارجی به ۱۱ نفر برای هر باشگاه، با محدودیت‌هایی برای فهرست مسابقه و ترکیب اصلی، بخشی از سیاست این لیگ برای افزایش کیفیت رقابت‌هاست. در این حال، مقررات مربوط به ورزشگاه‌ها در

اندونزی مسیر متفاوتی را طی می‌کند. این کشور با جمعیتی بیش از ۲۷۰ میلیون نفر، از بازاری بزرگ برای فوتبال برخوردار است و تلاش کرده این ظرفیت را به افزایش مخاطب و جذابیت مسابقات تبدیل کند. لیگ برتر اندونزی در فصل ۲۰۲۶-۲۰۲۵ حدود یک میلیون و ۹۵۰ هزار تماشاگر داشت و میانگین حضور تماشاگران به ۶۳۷۲ نفر رسید. در یک مسابقه نیز تعداد تماشاگران به حدود ۵۷ هزار نفر رسید. در هفته‌های ابتدایی فصل ۲۰۲۷-۲۰۲۶، میانگین حضور تماشاگران به ۷۶۲۱ نفر افزایش یافت و در دیدار پرسپسیا و پرسپسب نزدیک به ۵۹ هزار نفر در ورزشگاه حضور پیدا کردند.



یک این کشور از ۱۵ اوت تا ۱۰ بهرگزارد شد و مجموع تماشاگران آن به حدود یک میلیون و ۲۴۸ هزار نفر رسید. میانگین حضور تماشاگران نیز ۵۲۰۲ نفر در هر مسابقه بود. اجرای مقررات صدور مجوز حرفه‌ای نیز از دیگر ویژگی‌های این مسیر است. تعدادی از باشگاه‌های لیگ سه و یک تیم لیگ دو به دلیل نداشتن مجوز لازم نتزل یافتند و باشگاه سامات پراگان سیتی نیز به علت مشکلات مالی از رقابت‌ها کنار گذاشته شد. معنای چنین تصمیم‌هایی آن است که حضور در فوتبال حرفه‌ای صرفاً به برخورداری از نام، هوادار یا سابقه وابسته نیست؛ باشگاه باید حداقل‌های مالی و اجرایی را رعایت کند.

بات دریافت می‌کند؛ سهم باشگاه‌های لیگ دو چهار میلیون بات و باشگاه‌های لیگ سه یک و یک چهارم میلیون بات است. این یعنی هر باشگاه لیگ یک یک تایلند در هر فصل حدود ۱۲۰ میلیارد تومان از محل حق پخش دریافت می‌کند. سهم هر باشگاه لیگ دو حدود ۲۲ میلیارد تومان و سهم باشگاه‌های لیگ سه نیز حدود ۱۰ میلیارد و ۴۰ میلیون تومان است. به این ترتیب، درآمد حاصل از حق پخش فقط در اختیار چند باشگاه بزرگ قرار نمی‌گیرد و بخشی از آن به سطوح پایین‌تر فوتبال نیز می‌رسد. تایلند در کنار حق پخش، بازار اسپانسرینگ را نیز فعال کرده است. یک شرکت خودروسازی چینی به‌عنوان حامی اصلی سه لیگ‌های اول تا سوم، جام‌های داخلی و مسابقات رده‌های سنی را برای فصل‌های ۲۰۲۶-۲۰۲۵ تا ۲۰۲۹-۲۰۲۸ خریداری کرد. ارزش این قرارداد حدود دو میلیارد بات، معادل بیش از ۶۰ میلیون دلار، اعلام شده است؛ درآمدی که به‌طور متوسط بیش از ۱۵ میلیون دلار در سال می‌شود. نکته مهم‌تر از رقم قرارداد، شیوه توزیع درآمد است. طبق برنامه اعلام‌شده، هر باشگاه لیگ یک در هر فصل ۱۵ میلیون

شاید مهم‌ترین هشدار برای فوتبال ایران نه از ژاپن و کره، بلکه از تایلند برسد؛ کشوری که در گذشته فاصله محسوس‌ی با قدرت‌های اصلی فوتبال آسیا داشت، اما اکنون در حوزه درآمدزایی و حرفه‌ای‌سازی گام‌های قابل توجهی برداشته است. فدراسیون فوتبال تایلند در سال‌های گذشته با بدهی حدود ۲۶۰ میلیون باتی ناشی از یک پرونده حقوقی مواجه بود. با این حال، این بحران مانع از آن نشده که برای درآمد‌های فوتبال برنامه‌ریزی کند. یکی از مهم‌ترین اقدامات، فروش یکپارچه حق پخش رقابت‌های داخلی برای یک دوره چهارساله بود. کنسرسیومی متشکل از سه شرکت بزرگ فعال در حوزه مخابرات و انرژی، حق پخش لیگ‌های اول تا سوم، جام‌های داخلی و مسابقات رده‌های سنی را برای فصل‌های ۲۰۲۶-۲۰۲۵ تا ۲۰۲۹-۲۰۲۸ خریداری کرد. ارزش این قرارداد حدود دو میلیارد بات، معادل بیش از ۶۰ میلیون دلار، اعلام شده است؛ درآمدی که به‌طور متوسط بیش از ۱۵ میلیون دلار در سال می‌شود. نکته مهم‌تر از رقم قرارداد، شیوه توزیع درآمد است. طبق برنامه اعلام‌شده، هر باشگاه لیگ یک در هر فصل ۱۵ میلیون



به خصوص فوتبال ملی پایه نیاز به بازنگری جدی دارد. مهم‌ترین نقش در این رده‌ها به عهده سرمربی است اما در فوتبال ما عملاً مشخص نیست مربیان این رده بر اساس چه معیاری انتخاب می‌شوند. نکिसا که در جایگاه مدیریتی فوتبال، یکسال به عنوان مدیرعامل ذوب آهن فعالیت کرده است، در جمع‌بندی سخنان خود، اصلاح زیرساخت‌های فوتبال را یکی دیگر از الزامات تحول در این رشته دانست و با اشاره به روند بازسازی ورزشگاه آزادی، خواستار توجه جدی‌تر به توسعه زیرساخت‌های عمرانی فوتبال شد. وی تأکید کرد: «تحول در فوتبال ایران زمانی پایدار خواهد بود که اصلاح ساختار، تقویت تیم‌های پایه، بهبود فرآیندهای مدیریتی و توسعه زیرساخت‌ها به‌صورت همزمان دنبال شود. این تحول یک شبه و شب امتحانی حاصل نمی‌شود. فدراسیون باید برنامه داشته باشد. چند سال پیش آقای جلالی طرحی را به عنوان برنامه توسعه در فدراسیون رونمایی کرد اما در عمل از مجری برنامه که باید فدراسیون باشد، اقدامی ندیدیم.»



مشکلات کنونی را نباید صرفاً در نتایج یک تورنمنت مثل جام جهانی یا رقابت‌های آسیایی و یا عملکرد چند مسابقه و حتی یک فرد مانند سرمربی جست و جو کرد

تقویت تیم‌های پایه و توسعه زیرساخت‌ها باید همزمان دنبال شود تحول یک شبه محقق نمی‌شود



تیم فوتبال ایران

واکنش

نیما نکيسا، بازیکن اسبق تیم ملی فوتبال، با تأکید بر اینکه مشکلات امروز فوتبال ایران به مسائل فنی محدود نمی‌شود، گفت بازنگری در ساختار فوتبال، اصلاح روند اداره تیم‌های پایه و تقویت زیرساخت‌ها مهم‌ترین راه‌برون‌رفت تیم ملی از شرایط فعلی است. وی با بیان اینکه فوتبال امروز فراتر از یک رشته ورزشی است و بخشی از سرمایه اجتماعی جامعه را شکل می‌دهد، توضیح داد: «مشکلات کنونی را نباید صرفاً در نتایج یک تورنمنت مثل جام جهانی یا رقابت‌های آسیایی و یا عملکرد چند مسابقه و حتی یک فرد مانند سرمربی جست و جو کرد بلکه معناداری آن را باید در فرآیند انتخاب و زیرساختی در شکل‌گیری شرایط فعلی فوتبال ایران نقش داشته‌اند.»

ایران؛ هوادار هست، درآمد پایدار نیست

مقایسه فوتبال ایران با تایلند و اندونزی یک تناقض مهم را آشکار می‌کند: ایران در جذب هوادار و پرورش بازیکنان جوان، ظرفیت قابل توجهی دارد، اما در تبدیل این ظرفیت به درآمد پایدار عملکرد ضعیفی نشان می‌دهد. در فصل ۲۰۲۵-۲۰۲۴، میانگین حضور تماشاگران لیگ برتر ایران حدود ۸۷۳۳ نفر اعلام شده و در دو مسابقه تراکتور، شمار حاضران در ورزشگاه به حدود ۹ هزار نفر رسیده است. این ارقام نشان می‌دهد که تقاضا برای فوتبال در ایران همچنان بالاست؛ هرچند مقایسه آمار کشورها باید با توجه به تعداد مسابقات، ظرفیت ورزشگاه‌ها، دسترسی هواداران و شرایط برگزاری انجام شود. فصل ۲۰۲۶-۲۰۲۵ اما به دلیل شرایط جنگی و تغییرات مرتبط با برنامه‌های تیم ملی در مسیر جام جهانی، به پایان نرسید. در ۱۷۵ مسابقه برگزارشده، ۵۹ دیدار بدون حضور تماشاگر بود و در نهایت قهرمانی مشخص نشد. میانگین حضور تماشاگران با کنار گذاشتن بازی‌های بدون تماشاگر، حدود ۵۴۷۳ نفر گزارش شده است. مشکلات فوتبال ایران به این شرایط محدود نمی‌شود. بخش عمده درآمد باشگاه‌ها همچنان به اسپانسرها و شرکت‌های مالک وابسته است. برآوردهای موجود، سهم این منابع از درآمد عملیاتی باشگاه‌ها را بین ۷۰ تا ۹۰ درصد اعلام می‌کنند. در مقابل، درآمد حاصل از بلیت فروشی، حق پخش، فروش محصولات و انتقال بازیکن نتوانسته جایگاه متناسبی در اقتصاد باشگاه‌ها پیدا کند. در چنین شرایطی، باشگاهی که از حمایت یک مجموعه صنعتی یا منابع عمومی برخوردار است، ممکن است بدون توجه کافی به درآمد واقعی خود هزینه کند. باشگاه خصوصی اما باید هزینه‌ها را از محل منابع محدود خود تأمین کند و در نتیجه، توان رقابت با رقبایی را که از پشتوانه مالی متفاوتی برخوردارند، از دست می‌دهد. این وضعیت نه‌تنها رقابت اقتصادی را مختل می‌کند، بلکه انگیزه سرمایه‌گذاری واقعی را نیز کاهش می‌دهد.



حق پخش؛ حلقه مفقوده اقتصاد باشگاه‌ها

یکی از اصلی‌ترین تفاوت‌های فوتبال ایران با لیگ‌های در حال توسعه آسیا، وضعیت حق پخش تلویزیونی است. در فوتبال حرفه‌ای، حق پخش تنها یک قرارداد تجاری نیست؛ منبعی است که می‌تواند به باشگاه‌ها امکان برنامه‌ریزی چندساله، پرداخت هزینه‌ها، توسعه آکادمی و بهبود زیرساخت‌ها را بدهد. در تایلند، قرارداد چندساله حق پخش درآمدی مشخص ایجاد کرده و سهم باشگاه‌ها نیز از پیش تعیین شده است. در ایران، با وجود ارزش اقتصادی بالایی مسابقات فوتبال، باشگاه‌ها از سازگاری مشابه و شفاف برای دریافت سهم مستقیم و قابل پیش‌بینی برخوردار نیستند. برآوردهای مطرح‌شده درباره ارزش حق پخش فوتبال ایران، از اختلاف قابل توجه میان ارزش اقتصادی مسابقات و منابعی که در عمل به فوتبال اختصاص می‌یابد، حکایت دارد. در بودجه سال ۱۴۰۵، نیز رقم ۴۷۰ میلیارد تومان برای حق پخش مسابقات داخلی در نظر گرفته شده است؛ رقمی که باید در نسبت با ارزش کل بازار، هزینه‌های باشگاه‌ها و میزان درآمد مورد نیاز برای اداره حرفه‌ای رقابت‌ها بررسی شود. وقتی قرارداد اصلی میان نهادهای برگزارکننده و صداوسیما منقذ می‌شود و باشگاه‌ها از جایگاه قراردادی و سهم درآمدی روشن برخوردار نیستند، امکان برنامه‌ریزی اقتصادی کاهش می‌یابد. در چنین وضعیتی، باشگاه به جای آنکه بر پایه درآمد‌های قابل پیش‌بینی هزینه کند، ناچار است برای تأمین بودجه به مالک، اسپانسر یا منابع مقطعی وابسته بماند. نتیجه این وابستگی را می‌توان در بدهی‌های انباشته و مشکلات مجوز حرفه‌ای مشاهده کرد. در چرخه اخیر صدور مجوز حرفه‌ای، تنها شش باشگاه ایرانی موفق به دریافت مجوز حرفه‌ای شدند و سه‌پایه نیز با وجود کسب رتبه سوم لیگ، به دلیل تأیید نشدن صورت‌های مالی از حضور در رقابت‌های آسیایی بازماند. این اتفاق نشان می‌دهد که جایگاه ورزشی، بدون رعایت الزامات مالی و اداری، تضمینی برای حضور در سطح قاره‌ای نیست.



ورزشگاه و تقویم؛ دو پایه فراموش شده توسعه

مشکل فوتبال ایران فقط به حساب‌های مالی محدود نیست. کیفیت ورزشگاه‌ها نیز مستقیماً بر درآمدزایی، تجربه تماشاگر و امکان میزبانی مسابقات اثر می‌گذارد. به گفته رئیس فدراسیون فوتبال، از میان ورزشگاه‌های کشور تنها ورزشگاه پارس شیراز شرایط سطح B آسیایی را دارد و سایر ورزشگاه‌ها در سطح C قرار می‌گیرند. خارج شدن موفق ورزشگاه آزادی از دسترس نیز مشکلات باشگاه‌های پرطرفدار پایتخت را تشدید کرده است. استقلال و پرسپولیس در دوره تعمیرات و محدودیت‌های ورزشگاه اصلی خود، ناچار به استفاده از ورزشگاه‌های جایگزین شده‌اند. وقتی دو باشگاه ب‌هوادار کشور از خانه‌ای ثابت و مناسب برخوردار نیستند، برنامه‌ریزی برای فروش بلیت، جذب اسپانسر و ایجاد تجربه مطلوب برای هواداران نیز دشوارتر می‌شود. در اندونزی، الزام به استفاده از ورزشگاه استاندارد، حتی برای باشگاهی که از نظرورتشی به سطح اول رسیده، جدی گرفته می‌شود. این تفاوت، بیش از آنکه نشان‌دهنده برخورداری کامل آن کشور از زیرساخت باشد، بیانگر وجود قاعده و ضمانت اجراست. استاندارد زمانی معنا پیدا می‌کند که رعایت آن الزامی باشد و برای تخطی از آن، تصمیم مشخصی گرفته شود.

3